



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویش

فصلنامه علمی فرهنگی رویش-شماره هفتم-بهار و تابستان ۱۳۹۹

نشریه علمی فرهنگی رویش-شماره هفتم

نشریه داخلی مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع)

صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع)

مدیر مسئول: سلیمه سایی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مرضیه باباخان، فاطمه شریفی، هاجر شعبانی،
خدیجه صوفی، نسرین کردنژاد

سردبیر: سیده زهرا عابدیان

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

مرضیه باباخان، سیده زینب توسلی، حلیمه
رجبی، زهرا زارع، مرضیه ساجدی فر، ریحانه
شریعتی، ملیحه صالحی، حکیمه محمدنیا،
سیده محبوبه میرایی، فاطمه سادات میری،
حانیه نیکو همت

طراح و گرافیک: منصوره شهاب

ویراستار: لیلا چهره قانی

نشانی: کلهری، خیابان آل یاسین، پشت برج
آسمان، مدرسه علمیه حضرت آمنه (ع)

ایمیل: ruyesh.ameneh@gmail.com

تلفکس: ۳۷۲۳۸۳۳۰

شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۲۳۹۸۸۴

پله پله تا آسمان..... ۲

سخن سردبیر..... ۳

مقاله/ حق مادری در اندیشه امام سجاد (ع) و حقوق بین
الملل ۴

پرتو هدایت/ رسالت زنان در کلام رهبری..... ۱۰

نیمه دیگر من/ سیره تربیتی بزرگان..... ۱۲

پرنیان..... ۱۴

در امتداد نور/ با کاروان شهدا..... ۱۶

داستان/ مادر..... ۱۸

عاشقانه..... ۲۲

منم بازی/ معرفی بازی..... ۲۴

یک جرعه معرفت/ تفسیر..... ۲۸

پرپرواز..... ۳۰

یادداشت/ نقش مادری و تربیت فرزند با توجه به سیره
حضرت زهرا (ع) ۳۲

گام به گام با محقق/ اصول مقاله نویسی..... ۳۶

احکام..... ۳۸

عکس و مکث..... ۴۰

صمیمانه/ پای تجربه اساتید..... ۴۲

یکی کافی نیست..... ۴۴

دلنوشته..... ۴۶



خداوند مخلوقات خود را با عشق آفرید و جاذبه‌ی عشق خود را در وجود ایشان جاری کرد. انسان را شرافت و کرامت داد، نسبت به مخلوقات دیگر و از میان انسان‌ها کسانی را برگزید به کرامت، از جمله انبیاء، ائمه و اولیا علیهم‌السلام و باز از میان برگزیدگان دو موجود، بنام پدر و مادر را انتخاب نموده و جایگاه ویژه‌ای به ایشان ارزانی فرمود.

در آیه ۱۴ سوره لقمان به این مهم اشاره می‌شود: «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می‌داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است». در آیه شریفه ابتدا، اشاره به پدر و مادر با هم می‌کند، و بعد تاکید بر زحمت فوق‌العاده مادر بطور ویژه اشاره می‌کند.

مادری به معنای فرزندآوری و مراقبت از فرزندان همراه با برآوردن نیاز مادی و روحی و همچنین فراهم نمودن بستری مناسب برای رشد و پرورش صحیح آن‌هاست. همانگونه که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در مورد نمونه و الگوی بارز زن مسلمان یعنی حضرت زهرا علیها‌السلام می‌فرمایند: فاطمه زهرا علیها‌السلام یک زن اسلامی است، زن در بالاترین تراز زن اسلامی، یعنی در حد یک رهبر، اما همچنین زنی مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند، معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است: خانه‌داری تحقیر نیست.

انسان‌سازی مسئولیتی مهم و سخت است که می‌توان آن را برگرفته از ویژگی ربّ بودن پروردگار عالم دانست که شعاعی از آن در وجود مادر تجلی یافته است. آیا این تحقیر زن است؟ افتخار مادر بودن نشانه کمال است، نه نقض و تحقیر. اما می‌بینیم با دگرگونی‌های عصر حاضر در جوامع بشری و حتی جامعه اسلامی ما، شأن زن شناخته نشده است و این موجود والا به ابزاری تبدیل شده است که وسیله درآمدزایی، تلذذ، اشتغال به انواع شغل‌ها، حضور در همه عرصه‌های اجتماعی و پرداختن به تفریح‌های متنوع، از بهترین اهدافش شده است و از اهداف اصلی خلقت خود یعنی خانه‌داری، همسرداری، فرزندآوری و پرورش انسان‌های وارسته و تمدن ساز به دور مانده است.

ابتدا می‌توان دلیل این دگرگونی را تغییر نگاه ارزش مادری و زنانگی دانست، که بدلیل رشد فمینیسم و اعتقاد تحقیرآمیز وابستگان به این دیدگاه نسبت به نقش مادر و همسری و همچنین تأکید بر تساوی برابری زن و مرد بدون در نظر گرفتن جنسیت دانست. از این رو این انسان با آن کرامت‌های عظیم خدادادی به حدی تنزل پیدا می‌کند، که در اثر سرگرمی‌های متفاوت غیر اخلاقی مانند یک ماشین بی‌روح، احساسات عاطفی مادری و همسری خود را از دست می‌دهد.

در پایان با اشاره به روایتی از امام صادق علیه‌السلام در مورد جایگاه کرامت مادر می‌توان این مهم را اینگونه مشخص کرد.

ام سلمه (همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به حضرت گفت: ای رسول خدا مردان همه نیکی‌ها را به چنگ آوردند، پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: نه چنین نیست. زن هنگام بارداری، به منزله کسی است که روزها را روزه داری و شب‌ها در حال عبادت است، و با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کند، پس زمانی که وضع حمل می‌کند، مستحق پاداشی می‌شود که به سبب بزرگی آن، هم کسی توان درکش را ندارد و آنگاه که فرزندش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدن، پاداشی معادل آزاد کردن یکی از نوادگان حضرت اسماعیل به وی تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیر دادن فارغ گشت فرشته بزرگی بر پهلوی او زده، می‌گوید: اعمال خود را از سر بگیر که تمامی گناهانت آمرزیده شدند.

براساس آیات شریفه و احادیث وارده این جایگاه با چه چیزی قابل جایگزینی است. بنابراین، کدبانویی به معنای خدمت‌گذاری نیست بلکه امن کردن محیط خانواده برای رشد و به قطعیت رساندن استعدادی بالقوه کمالی در وجود فرزندان است.



پله پله تا آسمان

خدایا، بر من منت گذار و فرزندانم را نگهداری کن و آنان را برای من شایسته گردان و مرا از ایشان بهره‌مندی ده...

ای معبود من، به خاطر من، آنان را در زندگی کامیاب ساز و عمرشان را طولانی کن.

فرزندانشان را به‌پروران و ناتوانشان را توانا گردان. جسمشان و دینشان و خویشان را به سلامت دار و جان و تنشان و هر کارشان را که به من مربوط است، از هر گزندی در امان دار و روزی آنان را به دست من فراوان و پیوسته گردان و آنان را نیکوکاران پرهیزگار، صاحبان بینش و پند پذیران سر به راه خود قرار ده که دوستدار و نیک خواه یارانت، و دشمن و کینه‌جوی دشمنانت باشند. چنین باید ای پروردگار هستی‌ها...

خدایا، بازوی مرا به وجود فرزندانم توانا کن، و ناراستی کار مرا به راستی آور و خاندان مرا فزونی بخش و بزم مرا به وجود ایشان بیارای و نام مرا به آنان زنده بدار و در نبود من کارم را به دست فرزندانم سامان ده و یاری‌ام کن که با مدد ایشان به خواسته‌های خود برسم.

چنان کن که آنان با من دوست و مهربان باشند و با راستی و درستی، روی دل به سوی من آورند و فرمان من برند و از نافرمانان و بد رفتاران و مخالفان و خطاکاران نباشند.

و مرا یاری فرما که فرزندانم را به‌پرورم و ادب نمایم و به آنان مهربانی کنم...

خدایا، این همه را به توفیق و رحمت خود به ما ارزانی کن و ما را از عذاب آتش امان ده و همانند آنچه را من برای این جهان و آن جهان خود و فرزندانم از تو درخواست کرده‌ام، به همه‌ی مردان و زنان مسلمان و با ایمان عطا فرما... که تو نزدیکی و اجابت کننده، شنوایی و دانا، بخشنده‌ای و آمرزگار، دلسوزی و بس مهربان...

دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه





بیش‌تری دارد. بدیهی است که لوازمی چون مدارا کردن، حسن همکاری در خانه و تسهیل در ایفای نقش مادری توسط مدیر خانواده یا قانون‌گذار اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، می‌توان گفت که مادران شاغل چون بین دو فعالیت - یعنی مادری و شغل - جمع نموده‌اند، پس نیازمند توجه بیشتر قانون‌گذار اسلامی هستند.

۱-۲- حق تربیت فرزند

امام سجاد (ع) به واسطه حقی که والدین ایشان بر تربیت وی داشته‌اند و آن را به کامل‌ترین وجه ادا کرده‌اند، از خداوند تشکر می‌کند و می‌فرماید: «الهی آنها را به واسطه تربیت من، نیک پاداش بده و به واسطه آنکه مرا عزیز داشتند، ثواب بزرگی به آنها عطا فرما».

زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود و دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ‌مردان است. بر این اساس، حق تربیت فرزند توسط مادر در اسلام شأنی کم نظیر دارد. از آنجا که مادر متحمل سختی‌های متفاوتی در فرآیند تربیت فرزند می‌شود و از طرف دیگر وظیفه تربیت صالح فرزند بر دوش مادر است، در برابر ادای این تکالیف، صاحب حق می‌شود که همان حق تربیت است. برای نمونه می‌توان به آیه ششم سوره تحریم اشاره کرد که خداوند به مؤمنین امر می‌کند که فرزندان و خانواده خود را تربیت کنند تا دچار هیزم آتش نشوند. این آیه مهم‌ترین آیه‌ای است که می‌توان از آن حق تربیت کودک برای والدین را استنباط کرد؛ چرا که اهل در آیه به نزدیک‌ترین افراد به انسان دلالت می‌کند و بدون شک فرزندان وارد دایره شمول آن می‌شوند.

۱-۳- حق عزت اجتماعی

فرهنگ اسلامی به ایجاد عزت نفس برای مادران توجه ویژه‌ای کرده است. امام سجاد (ع) در موارد متعددی حق عزت اجتماعی مادران را متذکر می‌شود و خود را ناتوان در ادای دین مادر می‌داند که به جز به قوه الهی این حق سنگین قابل ادا نیست. آن حضرت در فرازهایی از دعای صحیفه سجادیه فرمان‌هایی را برای ایجاد عزت مادری با توجه به حق مادری بیان می‌کند؛ از ادب حضور کنار والدین سخن می‌گوید و حق احترام مادری را در حد پادشاه خودکامه بیان می‌دارد و خود را تحت اختیار کامل والدین قرار می‌دهد و دستورات آنان را گوارتر از هر چیزی می‌داند.

در سیستم حقوقی جامعه، مادر از ارکان اصلی آن شمرده می‌شود، توجه و رضایت وی باید مقدم بر رضایت سایر افراد خانواده قرار گیرد. به‌طوری‌که همه درخواست‌ها در جامعه اسلامی، پس از خواسته‌های مادران در اولویت قرار گیرد؛ در نتیجه مقابل این تکالیف، حق عزت و تکریم اجتماعی مادر ایجاد می‌شود که صاحبان تکالیف در ادای این حق باید تلاش کنند.

حق بر نوع روش تربیت فرزند در ابتدا یک حق-آزادی برای والدین محسوب می‌شود. اما از آنجا که تحقق تربیت اسلامی نیازمند شرایطی است، در برابر دولت، حق-مطالبه است و دولت مکلف به فراهم کردن مقدمات تربیت اسلامی است. حق تکریم مادر در اجتماع اسلامی نیز یک حق-مطالبه مثبت و نیز منفی است؛ چون وظیفه دولت است که علاوه بر ایجاد شرایطی برای تکریم مادران از هر قانونی که موجب محدودیت عزت مادران شود، اجتناب کند.

۲- حمایت از حق مادری در حقوق بین‌الملل

در مکاتب مختلف غربی اختلاف نظرهای غیر قابل جمع و گاهی متضاد در زمینه حق مادری عنوان شده است. بسیاری از فمینیست‌ها مادر شدن و به طور کلی تبعات مادری را از جمله عوامل محدودکننده زنان می‌دانند. گروه دیگری محور تفکر خود را بر توانایی زن برنامه‌ریزی شده، باور دارند و با استناد به این واقعیت که ارتباط مادر و فرزند جنبه زیست‌شناختی دارد و زنان نسبت به مردان پیوندی طبیعی‌تر و نزدیک‌تر با فرزند دارند، نتیجه

مقاله

حق مادری در اندیشه امام سجاد (ع) و حقوق بین الملل

نویسندگان: غلامعلی قاسمی، محمد ستایش پور، مهدی زارع

مادر

چرخه اصلی رشد و تربیت انسان در نظام اجتماعی، نهاد خانواده است. خانواده با مدیریت تربیتی مادر، کودک را برای کسب نقش‌های اجتماعی آماده و در جامعه حاضر می‌کند. اگر جایگاه مادر در جامعه تکریم شود، انگیزه رفتاری برای ادای نقش مادری نیز بیش‌تر مهیا خواهد شد. امروزه این نگرش توجه نظام‌های حقوقی دنیا را به خود جلب کرده است و قانون‌گذاران سعی دارند با تکریم شخصیت مادر، جایگاه نقش‌پذیری وی را در جامعه توسعه دهند. نظام حقوقی اسلام نیز این حق را مورد شناسایی قرار داده و در تکریم آن گام برداشته است. در پژوهش حاضر این موضوع که از نظام‌های حقوقی اسلام و بین‌الملل کدام یک نگاه جامع‌تری به تدوین نظامنامه حق مادری کرده‌اند و نظام حقوق اسلامی و اسناد حقوق بشری به چه جوانبی از حق مادری نگاهشان را معطوف نموده‌اند، بررسی شده است.

۱. حمایت از حقوق مادری در اسلام

نظام حقوقی اسلام جایگاه بسیار ارزنده‌ای برای حق مادر در نظر گرفته شده است، به‌طوری‌که قرآن کریم پس از امر به توحید، بلافاصله احسان کردن و رعایت حقوق والدین را بیان کرده است.

امام سجاد (ع) نیز در منشور حقوقی خود، صحیفه سجادیه، حق مادری را به صورت مفصل و در قالب دعا بیان می‌کند؛ بنابراین، در پژوهش حاضر حق مادری در سه عنوان اصلی یعنی، حق پرورش فرزند، حق تربیت فرزند و حق تکریم اجتماعی بیان شده است.

۱-۱- حق پرورش فرزند

منظور از حق پرورش، حقوقی است که مادر به دلیل پرورش جسمی فرزند از آن برخوردار می‌شود. اهم آنها عبارت‌اند از: حق حضانت، حق پرورش فرزند، حق اشتغال، حق باروری، حق حمایت در منزل و اجتماع و حق آمرزش. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «الهی به سبب حمایت والدینم در زمان کودکی، خودت محافظ آنها باش». ایشان پرورش خود را توسط والدین، حقی بیان می‌کند که به واسطه آن، والدین شایستگی حمایت خداوند را پیدا می‌کنند.

زنان به دلیل ساختار خلقت خود وظیفه تکوین فرزند را بر عهده دارند و همواره در راه تعالی پرورش جسمی فرزندان تلاش کرده‌اند. اسلام نیز علاوه بر مقدس شمردن این میل فطری، آن را حق غیر قابل ادایی برشمرده است.

در نتیجه ارائه خدمات بیشتر به مادران برای تسهیل جمع بین وظایف مادری، خانه‌داری و اشتغال ضرورت



بیش‌ترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناختن این اصل، که پدر و مادر کودک مسئولیت‌های مشترکی درباره رشد و پیشرفت کودک دارند، به عمل خواهند آورد. والدین یا قیم قانونی، مسئولیت عمده را درباره رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند. مرور قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد که در این اسناد تبیین و ذکر جزئیات حق والدین صورت نگرفته و برای مثال حدود قانونی این حق، انواع تعارض‌ها در اجرای آن یا ضمانت‌های اجرایی این حق مطرح نشده است. قابل ذکر است که در ساختار حقوق بین‌الملل، حق مادری را می‌توان حق آزادی نامید؛ چراکه مادر هیچ‌گونه تکلیفی برای خودداری از انجام عملی مانند باروری را نخواهد داشت. اما حق اشتغال امروزه برای زنان در جوامع مدرن، حق-مطالبه است؛ زیرا دولت تکلیف دارد که از شغل مادران باردار و... حفاظت کند. حق بر تربیت نیز، حق آزادی یا مصونیت است؛ زیرا هر کسی در انتخاب نوع مدارس برای فرزندان خود آزاد است و مصونیت اجتماعی دارد.

۳- برآمد تطبیقی حق مادری؛ بایستگی نقش اسلام در حقوق بین‌الملل

با توجه به مطالبی که درباره حق مادری در دو نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل بیان شد، می‌توان گفت که اگرچه در منابع اسلامی، فصل مجزایی به صورت مستقل برای این موضوع نمی‌توان یافت، این فقدان نشانه عدم توجه به این مسئله نیست. در اسلام حق مادر، بلافاصله پس از حق خداوند مورد توجه قرار گرفته و بر آن تأکید شده است. همچنین علمای اسلام بر ربوبی بودن حق مادر تأکید کرده‌اند. امام سجاد علیه السلام با استدلال بر حمل کردن نه ماهه طفل توسط مادر، می‌فرماید: «چون احدی این کار را برای تو انجام نمی‌دهد، پس تو نیز توانایی ادای حق مادر را نداری؟». در اسناد بین‌المللی بر حق مادری تأکید شده و امروزه آن را یکی از حقوق غیر قابل سلب هر زنی می‌شمارند و همه حکومت‌های دنیا موظف‌اند که این حق ابتدایی بشری را رعایت کنند و در قوانین داخلی خود زمینه ادای این حق را فراهم کنند.

اسلام علاوه بر تشویق مؤکد بر فرزندآوری از عواملی که در فرآیند این موهبت ایجاد اختلال کند به شدت نهی کرده است و از والدین می‌خواهد که به فرزندآوری استمرار بخشند تا جایی که بهترین زنان را زنانی می‌داند که بیش‌ترین فرزند را به دنیا آورند. برخلاف اسلام، در نگاه غرب که برگرفته از مبانی اومانیسمی است، علاوه بر اینکه هیچ اجبار یا تشویقی در اسناد بین‌المللی برای مادر شدن یافت نمی‌شود، زن را صاحب اختیار کامل در امر فرزندآوری می‌داند که مانند سایر امیال خود، می‌تواند با اختیار این میل را در وجود خود سرکوب یا ارضا کند. در واقع اسناد بین‌المللی به مادر به عنوان عصاره هستی، توجه جامعی ندارد. اسلام مادر را رکن خانواده قرار می‌دهد و سعی بر ایجاد و حفظ کانون خانواده دارد. اما غرب با آزاد گذاشتن مطلق زنان در فرزندآوری وجود خانواده را در معرض تهدید قرار داده است. با توجه به تقسیم‌بندی نظام‌های حقوقی فوق می‌توان گفت که اسلام حق مادری را به تمامی دوران حیات مادر تسری می‌دهد و این حق حتی بعد از وفات مادر در قالب حق تکریم و آموزش نیز پدیدار است، اما در اسناد بین‌الملل، این حق فقط به دوران بارداری و عوارض ناشی از آن محدود می‌شود که گستره بسیار محدودتری را نسبت به دیدگاه اسلام در برمی‌گیرد.

حق مادری در اسلام بسیار متنوع است و گستره اجرای زیادی دارد که حقوقی مانند حق حضانت، حق پرورش فرزند، حق اشتغال، حق باروری، حق حمایت در منزل و اجتماع، حق آموزش و حق آموزش و... از این جمله‌اند. این حقوق در پژوهش حاضر در سه دسته کلی حق پرورش و حق تربیت و حق تکریم اجتماعی بررسی شد. در اسناد بین‌المللی با نگاه بسیار محدودی به انواع حق مادری اشاره می‌شود و حق مادری را به عوارض ناشی از بارداری مانند حق مرخصی، حق حفظ شغل در زمان بارداری، حق مرخصی زایمان و حق تربیت و... محدود می‌کند. همچنین در اسناد بین‌الملل حق تربیت را بر خلاف اسلام فقط تا حد اعمال سلیقه بر تربیت کودک بیان می‌کند. بر این اساس دریافت می‌شود که نوع حقوق مادری در فرهنگ حقوقی اسلام از گستره و عمق بیشتری نسبت به اسناد بین‌المللی برخوردار است.

در اسلام، حق مادری بر اساس تعریف و تقسیمات حق، یک حق-مطالبه است و مادر همان‌طور که تکلیف به



می‌گیرند که احیای خانواده و نقش مادری، باید سرلوحه همه فعالیت‌ها قرار گیرد. از جمله حقوق مادری که در اسناد بین‌المللی به آن پرداخته شده است، می‌توان به حق باروری، حق مرخصی‌های شغلی در زمان زایمان و پس از زایمان، حق مراقبت‌های بارداری و حق بر تربیت اشاره کرد.

۲-۱- حق باروری

حق باروری برای اولین بار سال ۱۹۶۸ میلادی در جریان اجلاس بین‌المللی حقوق بشر سازمان ملل متحد به عنوان زیرمجموعه‌ای از حقوق بشر توسعه یافت. این نوع حق به حقوق و آزادی‌های قانونی مربوط به باروری و بهداشت باروری گفته می‌شود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه رشد و توسعه اجتماعی میلادی با بیان این عبارت حق باروری را به رسمیت شناخت: «خانواده به عنوان پایه اولیه اجتماع و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود، به ویژه کودکان و جوانان، باید تحت کمک و مراقبت قرار گیرند تا تمام مسئولیت‌های خود را در قبال اجتماع انجام دهد. والدین منحصرأ حق دارند آزادانه و مسئولانه تعداد و فاصله سنی فرزندان خود را انتخاب کنند».

در اجلاس قاهره، بسیاری از کشورها حق شرط برای مفهوم حقوق باروری یا محتوای خاص آن قائل شدند. برای مثال، اکوادور در این اجلاس بیان داشت که با توجه به برنامه عمل اجلاس بین‌المللی جمعیت و توسعه قاهره و طبق مفاد قانون اساسی و قوانین اکوادور و هنجارهای حقوق بین‌المللی، هیئت اکوادور بر این اصول مندرج در قانون اساسی اکوادور تأکید می‌کند؛ مصونیت زندگی، حفاظت کودکان از زمان لقاح، آزادی وجدان و دین، محافظت از خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه، رفتار پدرانه و مسئولانه، حق والدین برای تربیت فرزندان خود و تدوین برنامه‌های جمعیت و توسعه توسط دولت مطابق با اصول احترام به حق حاکمیت جمله است. بدین ترتیب، هیئت اکوادور برای قبول تمام اصطلاحاتی مانند قانونمند کردن باروری، توقف بارداری، بهداشت باروری، حقوق باروری و کودکان ناخواسته که به هر نحو در چارچوب برنامه عمل که شامل سقط جنین می‌شوند، شروطی قائل می‌شود. بر این مبنا حق مراقبت‌های ویژه بارداری نیز در اسناد بین‌المللی مطرح شده است، به‌طوری‌که بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۲۰۰۱ اعلام می‌کند: «مادران حق دارند از کمک‌ها و مراقبت‌های ویژه برخوردار باشند».

۲-۲- حق اشتغال و صیانت‌های شغلی در زمان زایمان و پس از زایمان

از آنجا که یکی از مهم‌ترین اصول در زمینه اشتغال، اصل منع تبعیض است و بر اساس بند دوم همین اعلامیه که تمامی انواع تبعیض را ناروا می‌داند، برای مادران نیز باید شرایط اکتساب شغل مورد نظر آنها را مهیا کرد تا آزادانه بتوانند در اجتماع ایفای نقش کنند. ماده ۲۵ اعلامیه بیان می‌کند: «مادران و کودکان به مراقبت و کمک‌های ویژه نیاز دارند. معاهده حمایت از زنان باردار در سال ۲۰۰۰ نیز مادران شیرده را از کار باز می‌دارد و بیان می‌کند که این کار برای سلامتی مادر و کودک ضروری است و دوره مرخصی چهارده هفته‌گی را برای زایمان زنان تجویز می‌کند؛ در ادامه بیان می‌کند: «یک زن حق بازگشت به همان موقعیت یا موقعیت مشابهی را که در پایان دوران مرخصی پرداخت می‌شود، داراست». همچنین این قطعنامه در زمینه وقت شیردهی کودکان اعلام می‌کند: «یک زن باید حق یک یا چند دوره در طول روز با کاهش روزانه ساعات کار جهت شیر دادن فرزند خود را داشته باشد و این شکاف‌ها یا کاهش کار روزانه به عنوان زمان کاری محاسبه می‌شود و به موجب آن هزینه کاری پرداخت می‌شود».

۲-۳- حق بر تربیت

اگرچه به صورت سند واحد یا مجزایی حق تربیت والدین یا مادر بر تربیت فرزند عنوان نشده است. اما اسنادی که تربیت فرزند را ذکر کرده‌اند، نقش والدین را حائز اهمیت و آنها را مسئول تربیت کودک دانسته‌اند؛ چنان‌که بند یکم از ماده هجدهم کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بیان کرده است که کشورهای طرف کنوانسیون

اهمیت نقش تربیت مادر

چه کسی می گوید نقش تربیتی ارزنده مادر کمتر از نفقه و رزق پدر است؟ بلکه برتر از آن است. این هفت سالی که بچه دست مادر است، در روایات هست که هیچ دوره‌ای تا آخر عمر به اندازه این هفت سال نیست.

این همه می آیند در حوزه‌ها و می روند، یکی می شود شیخ انصاری رحمته الله و علامه طباطبایی رحمته الله! یکی می شود سید رضی رحمته الله و سید مرتضی رحمته الله! از این بزرگان بروید پرسید که چه شد که شما به این جا رسیدید؟ می گویند: مادرمان بی‌وضو ما را شیر نداد. این بزرگان، مادرهای پای کار داشته‌اند که اهل تربیت این‌ها بوده‌اند.

اما وقتی شما بحث تربیت را ضعیف و ذلیل جلوه بدهی، معلوم است که طرف احساس حقارت می کند که نشسته و دارد بچه‌اش را تربیت می کند، یا دارد با بچه‌اش بازی می کند!

آن چیز که با شیر مادر به درون وجود بچه می رود، چیز دیگری است ... آنجاکه مادر با شیر، محبت اهل بیت علیهم السلام و قرآن را به بچه می دهد و بچه را غرق محبت می کند.

اما ما یک جور دیگری می خواهیم به عالم نگاه بکنیم. الآن آن کسی که نشسته دارد تایپ می کند، مفتخر است، ولی کسی که دارد بچه‌داری می کند و ملازم خانه است، نه! باید نوع نگاه‌مان را درست کنیم.

حجت الاسلام قاسمیان



مادر شدن دارد، در برابر این تکلیف برای وی ایجاد حق نیز می‌شود که توسط حکومت، همسر، فرزند باید ادا شود، اما دیدگاه اسناد بین‌المللی بر حق - آزادی بودن این حقوق دلالت دارد؛ چراکه زنان در مادر شدن آزادی کامل دارند و کسی را نمی‌توان مجبور به فرزندآوری کرد؛ اگرچه در وضعیت بارداری نسبت به حقوقی مانند حق اشتغال، حق مرخصی زایمان و... این حق به حق - مطالبه تبدیل می‌شود. بنا به گفته هوفلد، حق - مطالبه به نسبت حق - آزادی قوت و جایگاه ارزنده‌تری در نظام‌های حقوقی دارد. حق - مطالبه نشانگر انسجام بیشتر سیستم حقوقی است و از قدرت بیشتری در تضمین برخوردار است.

بنابراین، اسلام به تفضیل، بیش‌تر متضمن حقوق مادر است. اسلام، گستره حق مادری را به حق پرورش، حق تربیت و حق تکریم اجتماعی تسری می‌دهد. به لحاظ دامنه اعمال نیز در رهیافت اسلامی، ادای حق مادری در تمام طول عمر دانسته شده و مادر رکن اصلی خانواده برشمرده شده است. همسو با این موضع، احسان به مادر در اسلام واجب و فرض خوانده شده است و حاکم جامعه اسلامی موظف است تا همه تمهیدات لازم برای ایفای نقش مادری را مهیا کند و بستر آن را میسر سازد. (حقوقی مانند حق حضانت، حق پرورش فرزند، حق اشتغال، حق باروری، حق حمایت در منزل و اجتماع، حق آموزش و حق آموزش و... از بدیهیات نظام ارزشی - حقوقی است. درحالی‌که اسناد بین‌المللی گستره اعمال حق مادری و نقش دولت‌ها را محدود به زمان بارداری و عوارض ناشی از بارداری مانند تهدیدهای مربوط به حق اشتغال که به واسطه فرزندآوری حاصل می‌شود، دانسته و حق تربیت را نیز حق فرزند می‌داند که والدین در برابر تربیت معنوی فرزندشان تا حدودی می‌توانند اعمال سلیقه نمایند.)

ازاین‌رو، مطلوب است که حقوق بین‌الملل در مسیر قاعده سازی گزاره حق مادری، به تفحص در رهیافت اسلامی و به ویژه اندیشه‌های حضرت زین‌العابدین علیه السلام بپردازد و از این منبع غنی بهره جوید تا بتواند به مفهومی دقیق و عمیق از حق مادری نائل آید.



کتاب شصت پرسش اعتقادی کودکان

کتاب شصت پرسش اعتقادی به سوالات اساسی کودکان در زمینه مسائل اعتقادی پاسخ می‌گوید.

سوالاتی مانند:

خدا چه شکلیه؟ چرا خدا رو نمی‌بینیم؟ خدا کجاست؟ خدا از چه وقت بوده؟ پدر و مادر خدا کیه؟ چرا خدا بعضی از حاجت‌امونو نمیده؟ هدف خدا از آفریدن ما چی بود؟ چرا باید از خدا بترسیم؟ چرا خدا مادر بزرگ رو خوب نمی‌کنه؟ چرا خدا بابابزرگو از مون گرفت؟ اگه نماز نخونیم، چی میشه؟ چرا خداوند بعضی‌ها رو ناقص‌الخلقه به دنیا میاره؟ چرا خدا بعضی‌ها رو به جهنم میبره؟ من دوست ندارم پیر بشم؛ وقتی می‌میریم کجا میریم؟ چرا خدا شیطان رو آفرید؟ و بسیاری از پرسش‌های دیگر کودکان درباره خدا، فلسفه خلقت، علت بیماری‌ها، تقدیر، مرگ و که حتی ممکن است سوال بزرگسالان هم باشد.



مادر از دو جهت نقش ویژه‌ای در تربیت فرزندان دارد. ابتدا اینکه فرزند مهم‌ترین سال‌های تکوین شخصیتش را در محیط انس و الفت با او می‌گذراند و این سال‌ها فرصت کم نظیری برای اکتساب عادات و صفات و ویژگی‌های رفتاری از مادر است. از جهت دیگر، مادران به لحاظ عواطف سرشار و خالصانه خود، پناهگاه مطمئنی برای فرزند هستند.

تردیدی نیست که بانوان در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه، نقش تعیین‌کننده و بی‌بدیل دارند. واضح است که این نقش نمی‌تواند امری تشریفاتی باشد. مادری، فضیلتی ملکوتی ناشی از عالم قدس است که در وجود انسان خاکی تجلی می‌کند و در آن صداقت، مهر و صفا به عالی‌ترین درجه خود می‌رسد و در راه خیر و سعادت فرزند صرف می‌شود. بر اساس تعالیم دینی، گرامی داشتن مقام مادران مایه ورود به بهشت است؛ چنان‌که خط مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت، نقش تعیین‌کننده دارد و پاسخگویی صحیح به نیازهای فرزند، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد. وظیفه و کار مادر از نخستین لحظه بارداری، شروع و تا پایان دوره اساسی تربیت ادامه دارد. مادر در این دوره مسئول پرورش جسمی، عقلی، عاطفی و اخلاقی فرزند است. بنابراین مادر شدن مسئولیتی در قبال خود، همسر، فرزند، جامعه و پروردگار است و در سایه این مسئولیت، شخصیت‌های والای انسانی تربیت می‌شود. مادر است که مسئولیت پرورشی ویژه‌ای به عهده دارد که دیگران از آن محروم‌اند و هیچ‌کس نمی‌تواند جایگزین نقش او باشد.

از آنجا که مادر نقش مؤثری در تربیت فرزندان دارد، باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند فرزند نمونه تحویل جامعه دهد. اگر مادر متخلق به اخلاق نیکو باشد، به طور قطع نیمه بیشتر راه در تربیت هموار خواهد شد. نقش مادری، مهارتی است همراه با مبانی دقیق که در وجود زن نهاده شده است که غفلت و اشتباه در آن موجب فساد و تباهی جامعه و مراقبت از آن، جامعه‌ای خیرخواه و متکامل پدید می‌آورد.

هنرمندترین مادر در تربیت فرزند کسی است که می‌داند تربیت، مهم‌ترین وظیفه اوست و ایفای صحیح نقش مادری، از با ارزش‌ترین نقش‌ها است و در این راستا، هیچ‌گونه سستی و کوتاهی نمی‌کند و در این امر از خداوند استمداد می‌طلبد و فرزند خود را بزرگوار و با ایمان و با عزت نفس تربیت می‌کند. به طوری که احساس شایستگی کند و هیچ‌گاه تن به ذلت و پستی ندهد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری (عجله)، خانواده اولین و مهم‌ترین جایگاه تربیتی بشر و محل بروز و ظهور عواطف انسانی و رکن عمده جامعه است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی که خداوند متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها به طور یکسان در نظر گرفته است، برسد؛ تربیت فرزندان بهتر خواهد بود و جامعه پیشرفت بیشتری خواهد کرد.

آنچه مسلم است نقش اساسی زن در تربیت فرزند است، بلکه نه تنها تربیت فرزند که تربیت جامعه؛ چراکه فرزند عضو کوچکی از جامعه بوده و هر تغییر شخصیت و تغییر رفتاری در فرد (فرزند) تأثیر مستقیم بر اجتماع دارد. از طرفی، فرزند بیش از همه از مادر حرف شنوی دارد و تمام سکناات و حرکات مادر بر روی فرزند تأثیر مستقیم داشته و چه بسا وادار کردن فرزند به رفتاری مغایر با رفتار مادر کاری بس دشوار باشد.

پس جامعه‌ای قادر خواهد بود نیروی کارآمدی تولید کند که زنان آن جامعه کارآمد و قوی باشند.

امید آنکه به زودی شاهد جامعه‌ای متعالی و درخور نام امت اسلامی باشیم.



پرتو هدایت

رسالت زنان در کلام رهبر معظم انقلاب علیه السلام

سیده زینب توسلی



نقش زن در تربیت فرزند

مقام معظم رهبری علیه السلام: «مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجه تربیت کند. تربیت فرزند به وسیله مادر مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه و نوازش است، با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد.



نیست. البته محبتی معتدل و راستین و به دور از تکلف و تصنع و متناسب با سن و سال و وضع و حال کودک و به دور از تبعیض.

علامه حسن زاده آملی رحمته الله در خاطراتش می‌گوید:

« پدرم کاسب بود و مادرم خانه‌دار. در خردسالی مادرم را از دست دادم، ولی آنچه برکت زندگی من است، از مادرم و روزی حلال پدرم بوده است. مادر من به قداست، طهارت، پاکی، نجابت و تقوا زبانزد بود.»

در کتاب قانون شیخ الرئيس ابوعلی سینا هم هست که نیت و حالات پدر و مادر در شرایط نطفه بر کودک اثر دارد؛ رفتار و کردار والدین بر کودک اثر می‌گذارد؛ خلق و خوی و رحم مادر در کودک اثر می‌گذارد. مادر هر چه پاک‌تر، شایسته‌تر، نجیب‌تر و با تقواتر باشد، فرزندش هم ارزنده‌تر خواهد شد.

مادر مقدس اردبیلی رحمته الله سبب مقام ارجمند فرزندش را این گونه بیان کرد؛ «من هرگز لقمه‌ی شبهه‌ناک نخوردم و قبل از شیر دادن به او، وضو می‌گرفتم؛ و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و در تربیت کودک بعد از اتمام دوران شیرخواری ایشان، کوشیدم که نظافت و طهارت او را مراعات کنم و او را با بچه‌های خوب همنشین می‌کردم.»

بانوی مجتهد (مرحوم نصرت) امین رحمته الله در این باره می‌گوید: «پدر و مادری که عمر خو را با لهو و لعب و فساد اخلاق و الکلی و مشروبات دیگر می‌گذرانند و پروایی از غذای حلال و حرام ندارند، اخلاق آنها در طفل تأثیر کلی دارد؛ زیرا که روحیه‌ی طفل بسیار مناسب روحیه‌ی پدر و مادر است.»

در رفتار علامه طباطبائی رحمته الله با دخترهایش احترام و محبت بیشتری مشاهده می‌شد. ایشان می‌فرمودند: «به این‌ها باید محبت بیشتری شود، تا در زندگی آینده با نشاط باشند و بتوانند همسری خوب و مادری شایسته باشند». حتی نام دختران را با پسوند «سادات» صدا می‌کرد و می‌فرمود: «احترام دختر، مخصوصاً سیده، باید حفظ شود». همسرش عقیده داشت که دختر باید در خانه کار کند؛ ولی علامه می‌فرمودند: «به آن‌ها فشار نیاور، آن‌ها اکنون باید آرامش داشته باشند و هنوز موقع کارکردنشان فرا نرسیده است».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است؛ به بچه‌های خود احترام کنید. این احترام نشأت گرفته از احترامی است که خداوند برای بشر قائل است. به خصوص در کودکان، نقشی عظیم و کارساز دارد که خداوند متعال، پیامبر خود را به روش محبت آراسته کرده و در آیه ۱۵۹ آل عمران در این رابطه می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها [با آنان] مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد».

تعبیر قرآن کریم نیز از کودکان به «بخشش» و هدیه، تعبیری است محبت‌آمیز که در آیه ۴۹ سوره شوری می‌فرماید: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ؛ فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد».

انسان، بنا به فطرت خود نیازمند محبت است و در مراحل اولیه زندگی و دوران کودکی خویش به محبتی بیشتر نیاز دارد و تأثیر روش محبت در سازمان دادن به شخصیت کودک بر کسی پوشیده



نیمه ی دیگر من

سیره تربیتی بزرگان

زهرا زارع

تربیت صحیح فرزندان از دغدغه‌های هر پدر و مادر دلسوزی می‌باشد. یکی از راه‌های تربیت فرزندان، مراجعه به روش تربیتی عالمان دینی می‌باشد. چون آنان در برخورد با اطرافیان، مخصوصاً فرزندان خود، همواره دستورات دینی را در نظر می‌گرفتند و بر اساس دستورات دین اسلام، کانون خانواده خود را گرم نگه می‌داشتند. در سایه این سیره تربیتی، فرزندان در فضایی سرشار از عاطفه و محبت و احترام متقابل پرورش می‌یافتند.

آموزش احکام اسلامی و تربیت دینی از وظایف مهم والدین است، که باید نسبت به آن توجه ویژه داشته و آموزه‌ها و آداب اسلامی را به فرزندان خود یاد بدهند.

امام علی علیه السلام

می‌فرماید: از دانش

ما به کودکان خود

چیزی بیاموزید که خداوند

به واسطه‌ی آن سودشان بخشد.

(میزان الحکمه، همان، ج ۱۴، ص

۷۱۰۷، ح ۲۲۷۵۳)

همسر شهید مطهری رحمته الله در این باره اینگونه نقل می‌کند: «ما اوایلی که به تهران آمده بودیم، خانه‌ای در خیابان ری، کوچه‌ی دردار داشتیم و چون در داخل منزل حمام نبود، ایشان (شهید مطهری رحمته الله) روز جمعه به من می‌گفتند: خانم! من امروز غذا درست می‌کنم و شما این دختر خانم‌ها را به حمام ببرید و به ایشان غسل جمعه را یاد بدهید. اینها باید روش غسل و یا احکام مبتلابه خود را بدانند. در آینده ممکن است ما نباشیم و نتوانند سؤال کنند و دچار مشکل شوند».



اصول و محکّمات تربیت در دین اسلام

ایت الله حائری شیرازی قدس سره

اصول تربیت راست گفتن، امانت داری، اهمیت دادن به وعده‌های داده شده و حفظ کرامت کودک است. اگر روش تربیتی با ترساندن و ایجاد وحشت در محیط خانه باشد، بچه دروغ‌گو، عقده‌ای و منافق بار می‌آید. برای اینکه بچه عقده‌ای نشود، به او احترام بگذارید، محبت کنید و از او مطالبه مسئولیت داشته باشید. چون اگر مطالبه نداشته باشید، بچه هرز می‌رود.

نقش مهم مادر در تربیت

ولین گام برای داشتن فرزند صالح، انتخاب همسر است و در روایت هم داریم که مردی سؤال کرده از محضر معصومین علیهم السلام که می‌خواهد ازدواج کند، حضرت فرمودند: بدان که کسی که می‌خواهی انتخاب کنی مادر فرزندت هم می‌شود. لذا پدر و مادر نقش کلیدی دارند. و نقش مادر مهم‌تر از پدر است.

مادران قدر خود را خیلی بدانند، یعنی این جایگاهی که خداوند متعال به شما مادران داده است در نظام خلقت به ما مردان نداده است. اگر آن جایگاه را بفهمیم که چه جایگاه عظیمی است. بر عکس کسانی که فکر می‌کنند در اسلام به زن ظلم شده است، ما می‌گوییم نه. اتفاقاً در نظام ساختاری اسلام زن در جایگاه متعالی قرار گرفته است.

استاد تراشیون

تربیت فرزند

ولین تکلیف مادر، مدیریت راحت‌طلبی کودک است

خیلی از گنهکارها مشکل اعتقادی ندارند؛ مشکلشان راحت‌طلبی است!

ولین خواسته‌ی غریزی و طبیعی انسان راحت‌طلبی است. اگر کسی بتواند تکلیف خودش را - به‌ویژه در نوجوانی - با راحتی و راحت‌طلبی مشخص کند، تکلیف او با انواع شهوات هم مشخص خواهد شد. مادر باید بداند که اولین تکلیفش، مدیریت راحت‌طلبی کودک است. گاهی مادران محترم، از سر مهربانی و دلسوزی، به راحت‌طلبی بچه‌ها میدان می‌دهند و وقتی بچه، راحت‌طلب بار بیاید دیگر نمی‌توانند او را جمع کنند.

سیاری از گنهکارها مشکل اعتقادی ندارند؛ مشکلشان راحت‌طلبی است! اگر راحت‌طلبی خودت را مدیریت کنی، شهوات رانی تو هم مدیریت خواهد شد. کسی که اسیر شهوت می‌شود، قبلاً در برابر راحت‌طلبی خود تسلیم شده یا موضع درستی نسبت به آن نگرفته است.

استاد پناهیان



پرنیان

هنگام نصیحت فرزندتان، به جای کلمه «تو» از کلمه «من» استفاده کنید.

در کلمه «تو» مانند «تو بی نظمی» اشکال را متوجه فرزند می‌کنید.

اما در کلمه «من»

«من وقتی می‌بینم لباس‌هایت را می‌ریزی، ناراحت می‌شوم»، احساس خودتان را بیان می‌کنید که تأثیر افزون‌تری دارد.

استاد دهنوی

نکات طلایی تربیت

کودک به دنبال امنیت در آغوش مادر می‌گردد و مادر گمان می‌کند کودک "بغلی" شده ...

کودک از وحشت دیدن یک برنامه تلویزیونی شب‌ها به اتاق والدین پناه می‌برد و ظن پدر این است که او وابسته شده و در این مورد خاص هم به کودکی که در جست و جوی خودشناسی است برچسب "لجبار" می‌خورد.

زمانی که اندکی زاویه دیدمان را تغییر دهیم و فرزندمان را طوری ببینیم که در حال شناخت هویت خود و تلاش برای مستقل شدن است، به جای عصبانی شدن مراقبش خواهیم بود و کمکش خواهیم کرد.

گاهی باید از زاویه دیگری به فرزندمان نگاه کنیم.

دکتر مهدی شریعت‌مداری

افزایش رقابتی تربیتی

فن‌آوری، به سرعت هر چه تمام‌تر، در حال وارد کردن ابزارهای جدید به زندگی ماست که هر کدام از آنها به تنهایی مشکلات و خطرهای بسیاری را در مسیر تربیت ایجاد می‌کنند.

هر اندازه عوامل منفی تأثیرگذار بر تربیت فرزندانمان بیشتر می‌شود، نیاز به وقت گذاشتن برای آنها هم بیشتر می‌شود.

مقصود از وقت گذاشتن برای تربیت فرزندان، تنها وقتی نیست که به صورت مستقیم به فرزند، اختصاص می‌یابد؛

بلکه صرف وقت برای مطالعه کتاب‌های مفید هم بخشی از این وقت است.

محسن عباسی ولدی





زمان بارداری مهدی و مجید، در تهران زندگی می‌کردیم. دوران سخت خفقان شاهنشاهی بود؛ بعلاوه بعضی از مردم ایران هم در اجرای احکام اسلام، سست بودند؛ به همین علت برای افراد مذهبی مانند ما، که به شدت پایمند اصول و فروع دین بودیم، زندگی بسیار سخت بود؛ با همه‌ی این مسائل، سعی من بر این بود ضمن رعایت طهارت و پاکی، تعالیم عالیه‌ی وحی را در زمان بارداری لحاظ کنم. همچنین تأمل و دقت بسیار در افکاری که از ذهن من به عنوان یک مادر می‌گذشت، داشتم؛ چون تأثیر زیادی بر روی جنین دارد و نیز دقت فراوان بر تغذیه در دوران بارداری، یعنی غذای طیب و طاهر و حلال، که مورد نظر اسلام است و قرآن می‌فرماید: «فلینظر الانسان الى طعامه».

فرزندان من از طفولیت در جلسات قرآن شرکت می‌کردند. ما خانوادگی، اهل روضه و جلسات مذهبی بودیم. از همان ابتدا بچه‌ها را همراه خود به هیأت می‌بردیم و در مجالس روضه، مخصوصاً روضه‌ی علما شرکت می‌کردیم، این عادت شده بود برای آنها که در این مجالس شرکت کنند. یک ویژگی که بیشتر در آقا مهدی وضوح داشت علاقه مندی و عشق به ائمه‌ی اطهار (ع) بود او همیشه نام مبارک ائمه (ع) را با احترام و ذکر القاب زیادی به کار می‌برد. مخصوصاً نام بی بی دو عالم حضرت زهرا (ع) که بر زبانش جاری می‌شد، اشک در چشمانش حلقه می‌زد و...

مادر شهیدان زین الدین

خودم مدت‌ها سابقه مسئولیت در بسیج را داشتم و پایگاه حضرت زهرا (ع) در قم را مدیریت می‌کردم. ولی اسم محمد را در بسیج نمی‌نوشتند و می‌گفتند سنش کم است. خودم دستش را گرفتم و به پایگاه بسیج رفتم. گفتم: حالا یک بچه‌ای هم می‌خواهد پناهنده اسلام شود، شما نگذارید. دوست دارید ما مادرها بچه‌هایمان را توی بغل بگیریم؟ پس چه کسی از این مملکت مواظبت کند؟ اصرار کردم. قبول نمی‌کردند. گفتم: امام حسین (ع) هم زن و بچه‌اش را به کربلا برد و فداکاری کرد. حالا شما این پسر نوجوان را قبول نمی‌کنید، روز قیامت جواب سیدالشهدا (ع) را چه خواهید داد؟ به هر زحمت و زوری بود، اسم او را در پایگاه بسیج مسجد المهدی (ع) قم نوشتند. تقریباً ۱۳ ساله بود که پایش به جبهه باز شد. در حالی که پدرش هم از پنج سال قبل در جبهه خدمت می‌کرد.

مادر شهید محمد معماریان

همیشه برای زیارت لباس تمیز می‌پوشید و به حرم می‌رفت، اول از پایین پای حضرت معصومه (ع) می‌آمد و بعد هم در ورودی صحن و بیرون را می‌بوسید و بعد به داخل می‌آمد. می‌گفتم مهدی جان مردم دارند نگاهت می‌کنند می‌گفت عیب ندارد بی بی معصومه (ع) باید مرا موقع ورود ببیند، بقیه مهم نیست که چطور نگاه می‌کنند.

مادر شهید مهدی صابری. شهید مدافع حرم فاطمیون

همیشه برای مهدی دعای شهادت می‌کردم و می‌گفتم که ان شاء الله شهید شوی، اما آنقدر خدمت کنی تا خدا و امام زمان (ع) از تو راضی باشند و بعد شهادت نصیب شود. می‌گفتم وقتی سن و سالت بالا رفت به این آرزویت برسی. حیف بود با مرگ از این دنیا برود.

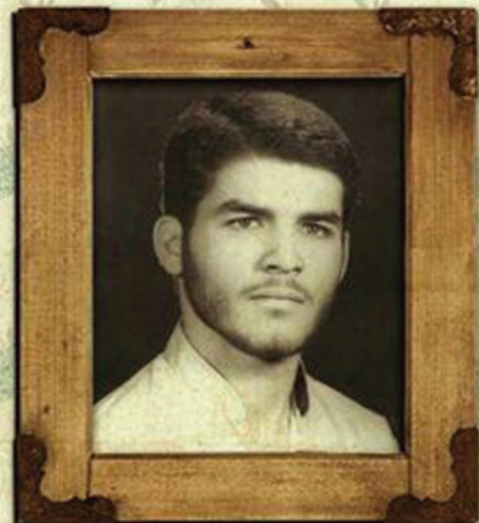
مادر شهید مهدی لطفی نیاسر

من در طول بارداری سید محمد، نه مرتبه قرآن را ختم کردم. برای شیر دادن به سید محمد وضو می‌گرفتم و رو به قبله می‌نشستم و هنگام شیر دادن قرآن می‌خواندم؛ اگر تلاوت قطع می‌شد شیر نمی‌خورد.

مادر شهید سید محمد حسینی بهشتی



در امتداد نور



راه شهکسیدان ادامه دارد...

حانیه نیکوهمت

خیلی حواسمان بود که بچه ها حلال و حرام و حق الناس را رعایت کنند، حق الناس فقط در مورد مال نیست، زبان هم هست، آدم نباید با زبان باعث شود حق کسی ضایع شود یا او ناراحت شود، تا آنجایی که یادم می آید هیچ وقت به کسی طعنه نزدیم. یکی از پست‌های مصطفی معاونت بازرگانی سایت نطنز بود، آنقدر حرام و حلال برایش خوب جا افتاده بود که حتی علاوه بر بیت المال نمی گذاشت به اسم بیت المال، حق و حقوق پیمانکارها پایمال شود، همیشه خیلی دقیق این موارد را رعایت می کرد.

مادر شهید احمدی روشن



که دیشب وقتی از گشت و گذارم برگشته بودم چند باری بهم گفته بود علی یادت نره آشغالارو ببری بزاری دم در، منم اینقدر باشه باشه کرده بودم که خوابم برده بود.

بنده خدا حالا مجبور شده با اون پا دردش کیسه به این سنگینی رو تا سر خیابون ببره. به لحظه دلم به حالش سوخت از خودم بدم اومد که اینقدر بی‌خاصیت شده بودم. ولی این وجدان بیداری من خیلی دوامی نداشت. سریع خودمو با این جمله توجیه کردم که باید عادت کنه، من که تا آخر عمر پیشش نیستم که آشغالاشو ببرم. دیر یا زود منم باید از این خونه برم.

چند قدم دیگه که برداشت آهسته خم شد تا آشغالایی رو که تو خاک‌انداز تلبار شده بودن رو بریزه تو کیسه. ماشالله کیسه هم اونقدر پر بود که جاشون نمیشد.

بالاخره با همه توانش آشغالارو به زور جا داد تو کیسه و دوباره به سمت در خروجی حیاط راه افتاد جلو در که رسید چند لحظه ایستاد با خودم گفتم علی آماده شو بالاخره داره سکوتش رو میشکونه الان که شروع کنه. تا خواستم مقابلش جبهه بگیرم و از خودم به اصطلاح دفاع کنم، صورتش رو برگردوند و نیم نگاهی بهم انداخت، اما اینبار نگاهش از روی عصبانیت و خشم نبود. انگار نگاهش بوی خواهش میداد، انگار ازم چیزی می‌خواست، بعد چند ثانیه که بهم نگاه کرد بدون هیچ حرفی صورتش رو ازم برگردوند و بی‌خداحافظی در رو باز کرد و رفت. نه غری نه حرفی نه نصیحتی. با تعجب و حیرت زل زده بودم به در بسته شده حیاط. برای اولین بار بود که اینجوری از خونه میرفت بیرون.

مادرم از وقتی بابام تو اون تصادف لعنتی از دنیا رفته بود، تمام مسئولیت زندگی افتاد رو دوش خودش. هر روز بعد نماز صبح میرفت سمت آشپزخونه، نهار و

کمتر شده، تازه دکتر رفتن منم فایده‌ای نداره، اینا همش عوارض پیرییه چه بخوای چه نخوای بالاخره میاد سراغت، حالا شانس من بوده دوستم داشته زودتر اومده سراغم.

بعد پایین اومدن از پله ها صورت قشنگشو به سمتم برگردوند، زیر چشمی یه نگاهی به سر و لباسم انداخت و چند دقیقه‌ای هم بدون گفتن حرفی با چشم‌های مهربونش تو چشم‌هام نگاه کرد. حس می‌کردم با نگاهش می‌خواد یه مطلب مهمی رو بهم بگه که زبانش قادر به گفتنش نبود. البته خودم یه حدس‌هایی زدم که شاید بخواد این جمله رو بگه که : مردی به این نیست صداتو برای مادرت ببری بالا، مردی یعنی نذاری آب تو دل خانواده‌ات تکون بخوره ، ناگفته نمونه منم خودمو مثل همیشه آماده کرده بودم که غرغر کردن و پند و اندرزهاشو بشنوم اما با این فرق که ایندفعه تصمیم گرفته بودم هر چی گفت چشم تو چشم جوابشو بدم. دیگه نمی‌خواستم عین بز سرم رو بندازم پایین تا هر چی می‌خواد بارم کنم، د منم بزرگ شدم خیر سرم، دوساله از سربازی برگشتم تا کی می‌خواد عین بچه‌ها باهام رفتار کنه و اون افکار قدیمیش رو به خوردم بده.

اما انتظارم بی‌فایده بود، انگار ایندفعه از پند و اندرز خبری نبود که نبود. فکر کنم خطمو خونده بود. میگن مادرا میدونن چی تو دل بچه‌هاشون میگذره. لابد فهمیده و با سکوتش نخواستسته روم تو روش باز بشه تا بلکه حرمت‌های چند ساله بین مادر و فرزند از بین نره.

آخه من تا اون روز به مادرم از گل نازک‌تر هم نگفته بودم، چه برسه به اینکه پیام تو خونه و جلوی چشمش عربده بزنم و تصمیم بگیرم تو روشم وایسم. وقتی خوب به رفتار و افکار خبیثانم دقت می‌کردم پیش خودم می‌گفتم: خدا لعنتشون کنه رفقامو که تو این چند سال به جز اخلاقای گندشون هیچی ازشون یاد نگرفتم. آخه به شما هم میگن رفیق. هر وقت اسم رفیق می‌ومد یاد شعر معروف بابا می‌وفتادم و می‌گفتم خدایامزدت بابا واقعاً به زمینم زدن این رفقای نادون. هوف جونیه و هزار ناپختگی...

بازم نگاهم رفت سمت مامان اما این دفعه به اون کیسه مشکی که تو دستش بود، تازه یادم افتاده بود





داستان

حلیمه رجبی

سوت میکشه، هی با
اون همه زحمت و
سختی آخرشم یه از
خدا بی خبری تو
تاریکی شب با ماشین
بهش بزنه و در بره.

باورم نمیشد این قدر
وقیحانه داشتم از بابام

و زحماتی که تو طول عمرش برامون کشیده بود
حرف میزد، بابایی که تا دیروز قهرمان زندگیم بود
و آرزو داشتم تو مردی و جوانمردی مثل اون باشم،
بابایی که اگه یه ساعت دیر می اومد خونه هزار جور
دلشوره می گرفتم...

آهی از ته دل کشیدم و با غر و لُند به خودم گفتم؛
ای علی احمق چقدر بابات بهت میگفت مواظب باش
با کی داری رفاقت میکنی، کی رو میخوای همراز
خودت کنی، به کی میخوای تو گرفتاری هات تکیه
کنی. بعد برای نتیجه گیری از حرفای قبلش می گفتم؛
سعی کن همیشه تو زندگیت رفیقیت رو با چشم باز
انتخاب کنی. آخرشم این شعر رو زیر لب زمزمه
میکرد، تا شاید آویزه گوش پسر ناخلفش بشه یه روز.
(دشمن دانا به از نادان دوست دشمن دانا بلندت
میکند بر زمینت میزند نادان دوست)

الان که یه کم بیشتر بهش دقت میکنم، می بینم
شعر بابا هم شده حکایت من و این رفقای تحفه ام.

اینقدر غرق گذشته و خاطراتش شده بودم که اصلاً
متوجه اومدن مادرم تو حیاط نشده بودم، مادرم
مثل همیشه چادر سیاه رنگو رو رفتشو سرکرده بود
تا بره کارگاه، اما خیلی برام عجیب بود چرا این وقت
روز داره میره. آخه مادرم همیشه قبل از روشن شدن
هوا میرفت سرکار اما امروز

کفشاشو که پاش کرد، لنگان لنگان و به سختی از رو
پله ها اومد پایین، آخه چند وقتی بود که پا درد
آمونشو بردیده بود. ولی به خاطر خرج و مخارج
زیادی که داشت، دکتر نمی رفت. من و دو تا خواهرام
هر وقت ازش می خواستیم بره، بهونه می آورد و
میگفت: چیزی نیست خوب میشه. از وقتی صدیقه
خانم این پماد رو بهم داده که بمالم روش دردش

مادر

در و محکم به هم کوبیدم و وارد حیاط شدم کمی
خم شدم تا کتونی های سفیدمو از توی جا کفشی
فلزی کنار در بردارم و پام کنم. همزمان که بند
کتونی هامو می بستم شروع کردم به داد و بیداد
کردن:

آخه این چه زندگی که ما داریم وَالله بالله همه دارن
دولپی از این بنیاد میخورن، چه خودشون، چه فک و
فامیلشون، اون وقت مادر ما فاز ایثار و جوانمردی
برداشته که نه بابات سفارش کرده چه زنده باشه چه
مرده حق ندارید یه هزاری از بنیاد بگیرید.

آخه مادر من، عزیزمن، اصلاً من به درک به اون دوتا
طفل معصوم رحم کن، اینا تا کی باید حسرت یه غذا
و لباس درست و حسابی بمونه به دلشون، تا کی باید
با حسرت به زندگی دوستاشون نگاه کنن، تا کی باید
با دروغ، پُوز نداشته هاشون رو بدن، بابا به خدا ما هم
آدمیم، ما هم جلو رفیقامون کم میاریم، برو ببین پدر
و مادرای بقیه چه کارا که برا بچه هاشون نکردن.

اصلاً همین وحید، بچه محله خودمون قیافش دوزار
نمی ارزه. نه شعور نه اخلاق هیچی صفر مطلق،
اونوقت بیا و ببین چه ماشینی باباش انداخته زیرپاش.
چیه، باباش به اجبار قانون دوسال سربازیشو از بخت
بلندش تو جبهه گذرونده، می فهمی مامان مجبورش
کردن بره جبهه نه مثل بابای ما که با میل و رغبت
رفته باشه جبهه، اونم کجای جبهه خط مقدم.

تو رو خدا کار دنیا رو ببین بابای وحید بشه مسئول
فلان اداره نمیدونم چی چی، بعد بابای ما با اون
سابقه جنگ و پنجاه درصد جانبازی بشه شاطر
نونوایی!

لعلنت به این روزگار وقتی یادم میفته برا چندر غاز
حقوق ماهیانه چه ساعتی از صبح میزده بیرون مغزم



نفهمیدم چی شد. سرم داشت گیج میرفت. انگار دنیا داشت دور سرم میچرخید. بزور خودمو انداختم وسط جمعیت. آدم‌ها رو یکی یکی به هر طرفی که می‌تونستم هل دادم، تا خودمو به ابتدای جمعیت برسونم. بالاخره رسیدم. مات و مبهوت داشتم به زنی نگاه میکردم که غرق در خون شده بود و با صدای نحیفی ناله میکرد. دیگه نفهمیدم چی شد. فقط یه لحظه که به خودم اومدم، گرمی نفس‌های مادرمو توی صورتم حس میکردم. سرمو گذاشته بودم توی صورتش و زار زار داشتم گریه می‌کردم و بهش التماس می‌کردم و می‌گفتم ماما تو رو خدا از پیشمون نرو، میون التماس‌های من، مادرم دستم رو گرفت، با نگاهی که پر شده بود از غم و درد فقط یه جمله بهم گفت؛ علی، دخترا... بعد آروم چشماشو بست. چشم‌هایی که دیگه هرگز باز نمیشد... باورم نمیشد. مادر مهربونم، توی بغل من با کوله‌باری از حرف‌های ناگفته جون داد. بهت‌زده سرمو بلند کردم و خیره به جمعیت داد زدم، تو رو خدا یکی زنگ بزنه اورژانس...

الان هفت ساله که از اون ماجرا می‌گذره و من بیشتر وقت‌ها میام پشت پنجره اتاقم و ساعت‌ها زل میزنم تو حیاط که شاید مادرم در رو باز کنه و با اون صورت مهربونش بیاد تو. منم عین بچه‌های پنج، شش ساله از تو خونه بدو کنم و پا برهنه برم بیرون تو بغلش و صورت زیباشو غرقه بوسه کنم و بهش بگم چقدر دوستش دارم. اما حیف، حیف که این فقط یه آروز دست نیافتنی، آرزویی که حسرتش تا آخر عمر به دلم می‌مونه. با اینکه بعد مرگش به کل عوض شدم و آخرین خواستش که سرو سامون دادن خواهرامون بود رو انجام دادم، اما هنوز هم نتونستم خودم رو به خاطر رفتار اون روزم ببخشم، رفتار غلط اون روز من اشتباهی بود که هیچ وقت فرصت جبران نداشت...

آه از نهادم بلند شد سرم رو به آسمون بلند کردم و گفتم وای خدایا، من چکار کردم با دل مادرم، چرا اینقدر وقیح و بی‌شرم شده بودم. حتی یه ذره غیرت نداشتم برم اون کیسه زباله رو از دستش بگیرم و نگذارم با اون پا دردش کیسه به این سنگینی رو تا سر خیابون ببره.

همینطور که مشغول سرزنش خودم بودم، یکدفعه صدای وحشتناک ترمز ماشینی رو از توی کوچه شنیدم، برای یک لحظه تمام تنم لرزید. پاهام از ترس سست شده بود. قلبم داشت از کار می‌افتاد. فکرای تو ذهنم می‌اومد که دوست داشتم سرمو محکم به دیوار بکوبم، تا همه اون افکار بد از مغز پوکم بیرون بره.

اما انگار فایده نداشت. دلشوره‌ای که به جونم افتاده بود، هی داشت بیشتر میشد.

هر جوری بود با زحمت خودمو از روی صندلی که داخل حیاط بود بلند کردم و به سمت کوچه راه افتادم. هر چی به سمت ته کوچه می‌رسیدم، سرعت راه رفتنم بیشتر میشد. اونقدر داشتم تند تند می‌رفتم که به نفس نفس افتاده بودم. تمام مسیرو داشتم زیر لب خدا خدا می‌کردم تا اون چیزی که مثل خوره به جونم افتاده نباشه.

بالاخره با هر سختی بود کوچه رو رد کردم و رسیدم سر خیابان؛ یکدفعه چشمم افتاد به جمعیتی که پایین‌تر از من وایستادن. تا حالا اونجا رو این‌قدر شلوغ و پر جمعیت ندیده بودم. تو خیابون ترافیک شدیدی شده بود. ماشینا پشت سر هم مونده بودن و گه‌گذاری بوق می‌زدن تا بلکم ماشین جلویی حرکت کنه و اونم از شر این شلوغی راحت‌تر بشه.

مردمی که اونجا مونده بودن به همه‌م افتادن، هر کدومشون داشتن یه حرفی می‌زدن. هر چقدر سعی کردم متوجه حرفاشون بشم، نشد که نشد. دل تو دلم نبود دلم میخواست برم اونور جمعیت ببینم چی باعث این همه شلوغی شده که یکدفعه صدای راضیه خانم زن همسایه رو شنیدم. راضیه خانم با حق هقی که از گلوش بیرون میومد رو کرد به من و گفت علی تویی، تا حالا کجا بودی آخه، چرا نمیری به داد مادر فلک زدت بررسی. وقتی کلمه مادر رو شنیدم دیگه





که بار میگذاشت و خیالش از بابتش راحت میشد بی
سر و صدا میرفت نونوایی و دوتا نون سنگ خاشخاشی
میگرفت و

منتظر همراه شدن خنده مامان با خودم شدم، اما
سکوت تلخ مامان باعث شد، خنده منم قطع بشه.
تازه فهمیده بودم که چی بلغور کردم و مامان چقدر
از حرفم ناراحت شده، ولی به روی خودش نیاورده
بود.

بعد اون جریان دیگه ندیدم پیشم بشینه و باهام درد
و دل کنه. انگاری خودش فهمیده بود که از من
براش آبی گرم نمیشه.

هی... تا وقتی بابا بود زندگی خوبی داشتیم. سفرمون
کوچیک بود، خونمون ساده بود، ولی دلمون خوش
بود

بابام میرفت سرکار و مامانم تو خونه مشغول بچه
داری و خونه داری بود، اما الان چی نه تنها سفرمون
بزرگتر نشده تازه کوچیکترم شده، اون دلخوشی هم
که قبلاً بود الان دیگه نیست.

بعد رفتن بابا دیگه هیچ چیز سر جای خودش نبود.
من به اصطلاح مرد خونه به جای مواظبت از مادر و
خواهرام شده بودم آیینه دقشون، از سربازی که
برگشتم افتادم دنبال رفیق بازی و خوشگذرونی، صبح
تا لنگ ظهر می خوابیدم و شبها تا نزدیکای صبح با
ماشین وحید تو کوچه و خیابون پرسه میزدیم. تازه به
اون چندرغاز پس انداز ماهیانه مادر هم رحم
نمی کردم. تا قرون آخرشو ازش میگرفتم تا خرج
خودمو رفیقام کنم.

امروز هم وقتی دیدم وحید ماشینشو عوض کرده و
چند مدل بالاتر از قبلیه خریده دیگه اختیارمو از
دست دادم. زدم به سیم آخر، سریع از وحید
خداحافظی کردم. برگشتم خونه تا تموم دق و
دلی هامو سر مادر از همه جا بی خبرم خالی کنم.

مادری که از همه چیزش گذشته بود تا من و خواهرام
بتونیم راحت زندگی کنیم. مادری که روز به روز
چین و چروک های صورتش بیشتر میشد و هیچ وقت
دیگه تو آیینه به خودش نگاه نمی کرد. اون داشت ذره
ذره جلوی چشمای من و خواهرام آب میشد ولی من
فقط خودمو میدیم و آرزو هامو.

پس آرزوهای اون چی میشد، یعنی مامان اصلاً
آرزویی نداشت ...



دوباره میومدم سمت خونه. به خونه که میرسید
نونارو میگذاشت تو سفره، تا وقتی آقا پسرش از
خواب نازش بیدار بشه. نون تازه و مورد علاقه شو
میل کنه. آخر سر هم، بعد آماده کردن صبحونه
چادرشو سر میکرد و بازم از خونه میزد بیرون. بعد
نیم ساعت پیاده روی تازه کارش شروع میشد، ده
سالی بود که بعد مرگ بابا برای تأمین مخارج زندگی
من و خواهرام توی یه کارگاه قالی بافی مشغول کار
شده بود. اینقدر تو اون کارگاه، قالی بافته بود که
برای خودش یه پا اوستا شده بود.

یادم میاد یه شب که خیلی خسته بود، بهم گفت:
علی تصمیم دارم دیگه کارگاه نرم. آخه شبها که
میام خونه به سختی راه خونه رو پیدا میکنم. انگاری
قالی بافی سوی چشم رو حسابی از شون گرفته، حتی
عینکم افاقه ای نمیکنه.

منم که خیلی اون موقع ها تو قید و بند دغدغه ها و
درداش نبودم. با یه حالت شوخی گفتم ننه تو غصشو
نخور، خودم برات از این عصاها که نابیناها دارن
میخرم. اینجوری میتونی از هر جا که رد میشی با
زدن ضربه به زمین یا دیوار یه نشونه برا خودت
بگذاری.

بعدش، به خیال اینکه خنده دارترین حرف تاریخ و
زده باشم با صدای بلند غش غش زدم زیر خنده و



بوسیدن

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: بوسیدن فرزند، [نشانه] مهربانی است.

بوسیدن اگر همراه با احساس باشد، پیام محبت را خیلی سریع و صریح، منتقل می‌کند.

از معارف دینی می‌توان چنین برداشت کرد که بوسیدن فرزند، وظیفه‌ای است که نباید از آن، غافل شد.

غفلت از این وظیفه، عواقب ناگواری را برای خود ما خواهد داشت.

بوسیدن، از کارهایی است که تکرارش خسته کننده نیست. در معارف دینی هم به ما توصیه شده که فرزندانمان را بسیار ببوسید.

هدیه دادن

هدیه دادن، ماندگارترین راه ابراز محبت در صورت رفتاری آن است.

دادن هدیه، علاوه بر آن که راهی برای ابراز محبت است، موجب از بین رفتن کینه‌ها هم می‌شود.

برای ابراز محبت، ارزش اقتصادی هدیه مهم نیست. آنچه اهمیت دارد، آن است که ما به وسیله هدیه به فرزندانمان بگوییم به یادش هستیم.

برخی معتقدند: اگر ما با هدیه محبت کنیم، بچه‌ها لوس می‌شوند و پس از آن، دیگر تنها هدیه را با عنوان محبت، قبول می‌کنند.

در پاسخ به این دغدغه، باید گفت: اگر کسی در میان راهکارهای ابراز محبت، تنها هدیه را انتخاب کند، لازم است که چنین نگرانی و دغدغه‌ای داشته باشد.

فرزندى که تنها از طریق هدیه می‌فهمد پدر و مادرش دوستش دارند، همیشه منتظر هدیه است؛ زیرا همیشه تشنه محبت است و از سوی دیگر، ارزش اقتصادی هدیه است که به او می‌فهماند پدر و مادر، چقدر او را دوست دارند.

پس برای حلّ این مسئله، لطفاً صورت مسئله را پاک نکنید. مسئله را حل کنید.

در هدیه دادن، کمی هنرمندانه عمل کنید و هدیه را خشک و خالی به فرزندان ندهید.

مثلاً یک نوشته درون هدیه بگذارید و به فرزندان بگویید در مدرسه یا دانشگاه، آن را باز کند. در آن برگه هم جملات و واژه‌های محبت‌آمیز، بنویسید. در این صورت، حتی اگر ارزش اقتصادی آن هدیه پایین باشد، فرزندان به جهت لذت بردن از نوشتار محبت‌آمیز، از ارزش اقتصادی آن غافل می‌شود.

هدیه، اگر از نوع خوراکی نباشد، ماندگار است و تا وقتی که هدیه باقی است، خاطره خوش محبت نیز پا بر جاست.

هدیه، از یک بُعد دیگر هم خاصیت محبت‌افزایی دارد؛ زیرا نشان از سخاوت والدین دارد که خود، عاملی برای افزایش محبت است.

منِ دیگرِ ما، کتاب دوم، ص ۱۳۵

خوب صدا زدن

ما در طول روز، بارها و بارها فرزندان را صدا می‌زنیم.

هر اندازه حضور ما و فرزندان در کنار هم بیشتر باشد، این صدا زدن هم بیشتر خواهد بود.

هر بار صدا زدن، یک فرصت برای ابراز محبت است.

کیفیت این ابراز محبت، به میزان هنرمندی ما در انتخاب لحن و واژه‌ای بستگی دارد که برای صدا زدن بر می‌گزینیم.

به صدا زدن‌های زیر توجه کنید:

علی! فاطمه!

علی آقا! فاطمه خانم!

علی جان! فاطمه جان!

پسر! دختر!

پسر! دخترم!

پسر عزیزم! دختر عزیزم!

هر کدام از این صدا زدن‌ها، پیام خاصی دارند. با اضافه کردن یک «م» به آخر «پسر» یا «دختر»، می‌توانید دنیایی از تفاوت را تولید کنید.

البته اگر چاشنی «م»، یک لحن مهربان باشد، این تفاوت به اوج خود خواهد رسید.

همان اندازه که خوب صدا زدن در انتقال پیام محبت‌آمیز و استحکام رابطه عاطفی مؤثر است، صدا زدن‌هایی که بار خشونت و بی‌مهری را با خود حمل می‌کند، در دور شدن دل فرزند از پدر و مادر، بسیار مؤثر است. پس مراقب باشیم.

منِ دیگر ما، کتاب دوم، ص ۱۲۲





با توافقی که میان همبازی‌ها انجام می‌گیرد، میتوان بازی را به گونه‌ای که جذاب‌تر و هیجانی‌تر و یا ساده‌تر شود، تغییر داد.

بازی، بازوی تربیت، ص ۱۷



قلعه‌بازی

بهتر است حداقل تعداد افراد هر گروه، پنج نفر باشد.

فضا برای بازی باید وسیع باشد. پس بهتر است در جایی مثل پارک، کوچه، مدرسه و ... انجام شود.

ابتدا دو سرگروه، یارکشی می‌کنند و دو گروه، تشکیل می‌شود.

محدوده‌ای مثل کنج یک دیوار یا کنار یک درخت، به عنوان «قلعه»، مشخص می‌شود.

به قید قرعه، افراد یکی از دو گروه، فرار می‌کند و گروه دیگر باید به دنبال آنان بروند.

هر کدام از افراد گروه فراری که دستگیر شد، باید در قلعه زندانی شود.

گروهی که به دنبال گروه فراری هستند، یک قلعه‌بان برای مراقبت از زندانی‌ها می‌گذارند.

پس از دستگیری برخی از اعضای گروه فراری، باقی اعضا باید تلاش کنند بدون آن که دستگیر شوند، افراد زندانی را آزاد کنند.

تماس دست یکی از اعضا با افراد زندانی، مجوز آزادی آنهاست.

افرادی که برای آزاد کردن دوستانشان می‌آیند، باید مراقب باشند تا هنگام آزاد کردن افراد زندانی، خودشان دستگیر نشوند.

وقتی تمام افراد گروه فراری دستگیر شدند. جای دو گروه، عوض می‌شود.

دستگیری وقتی محقق می‌شود که فرد فراری در دستان یکی از اعضای گروه حریف، برای یک لحظه هم که شده، اسیر شود.

وقتی یکی از افراد اسیر می‌شود، نمی‌تواند فرار کند؛ مگر آن که به قلعه منتقل شود و یکی از افراد گروهش به آزادی او اقدام کند.

بازی، بازوی تربیت، ص ۱۲۵



بازی با قیچی

بچه‌ها، بازی با قیچی را دوست دارند. ما در گذشته با قیچی خیطای یا آرایشگری مادرمان، بازی می‌کردیم که



منم بازی

بگو چی دیدی؟

یک نقاشی را به کودک نشان بدهید. به او بگویید که به دقت آن را نگاه کند. بعد نقاشی را به سمت خود بگیرید؛ به گونه‌ای که نتواند آن را ببیند. حالا پرسش‌هایی را از او بپرسید تا او جواب دهد. پرسش‌هایتان باید در حد اطلاعات کودک باشد.



این کار را با اشیاء و انسان‌ها هم می‌توانید انجام دهید؛ مثلاً در مهمانی‌ها کودکان را دور خودتان جمع کنید.

به یکی از کودکان بگویید که بچه‌های دیگر را به دقت نگاه کند. بعد پشت به بچه‌ها بنشیند. حالا نام تک تک بچه‌ها را برده و از او بخواهید لباس بچه‌ها را توصیف کند. از یک تابلو در خانه، یک ساختمان در بیرون از خانه، یک اتاق و ... می‌توان در این بازی استفاده کرد.

این بازی دقت و حافظه کودک را تقویت می‌کند.



بازی‌های وانمودی

یکی از انواع بازی‌های شناختی کودکان است که در دامنه سنی ۲ تا ۶ سالگی قرار دارد.

در بازی‌های وانمودی، کودک از شیء که در دسترس اوست به عنوان نشانه یا سمبل چیز دیگری به کار می‌برد مانند یک جعبه دستمال کاغذی سمبل یک ماشین، کارت‌های مقوایی سمبل موبایل، دفتر یا کتاب سمبل لپ تاپ و ... یا فقط با اعضای بدنش وانمود می‌کند که کاری را انجام می‌دهد، مثلاً دستش را در کنار گوشش قرار می‌دهد و وانمود می‌کند با تلفن صحبت می‌کند.

این نوع بازی باعث افزایش مهارت خلاقیت، رشد مهارت عاطفی-اجتماعی، افزایش گنجینه لغات و ... در کودکان می‌شود.

کودک هنگام بازی‌های وانمودی، به شکل فعال نقش‌های عاطفی و اجتماعی زندگی را تجربه می‌کند.

نقش ما در این فرایند، حمایت و همراهی با تجربه و علایق کودک است و اینکه از دخالت مستقیم و تغییر دادن جریان بازی خوداری کنیم.



زمان و نوع بازی

در انتخاب بازی‌ها، به زمان و نوع بازی توجه داشته باشید.

در زمانی که کودک، خسته است و حوصله ندارد، بازی‌های نشستنی و هنگامی که کودک، نشاط دارد، بازی‌های حرکتی انجام دهید.

در این بازی‌ها، انعطاف فراوانی وجود دارد.



بالا باشد، می‌شود مسئله‌ها را ترکیب کرد. مثلاً اوستا بگوید: «پنج، منهای سه، بعلاوه یک» که در این صورت، عدد سه باید بیرون بیاید.

بازی، بازوی تربیت، ص ۱۰۷



حمل بار با سر

مقداری لباس در یک بقچه یا روسری بپیچید و آن را روی سر کودک قرار دهید. او بدون آن که دست به بقچه بزند، باید مسیری را که از قبل تعیین شده، برود و برگرد.

اگر مرحله اول را با موفقیت طی کرد، در مرحله دوم، باید حالتی میان دویدن و راه رفتن داشته باشد.

این بازی، اگر به صورت گروهی انجام بگیرد، جذاب‌تر است. به این ترتیب که حداقل دو نفر با هم مسابقه بدهند. هر کسی زودتر بقچه را به نقطه پایان برساند، برنده است.

اگر در میان راه رفت، بقچه روی زمین افتاد یا بازیکن آن را با دست گرفت، باید برگردد.

. اگر در مسیر برگشت این اتفاق افتاد، باید به ابتدای مسیر برگشت، باز گردد.

این بازی را با چیزهای دیگری غیر از بقچه هم می‌شود انجام داد، به شرطی که روی سر قرار بگیرد و افتادنش هم خطرناک نباشد.

بازی، بازوی تربیت، ص ۱۰۰



بچه جای مامان و بابا؛ مامان و بابا جای بچه

این بازی، شبیه خاله بازی است؛ اما در خاله بازی، معمولاً خانه‌ای می‌سازند و وسایلی را در خانه می‌برند؛ اما در این جا، فقط بچه‌ها در نقش بزرگ‌ترها قرار می‌گیرند.

گهگاهی نقش واقعی خودتان را در خانه به بچه‌ها بدهید. مثلاً مادر به دختر بگوید: «من، دختر هستم و تو، مادر» و پدر به پسر بگوید که: «من، پسر هستم و تو، پدر». اجازه بدهید چند دقیقه‌ای به عنوان پدر یا مادر با شما به عنوان فرزند، تعامل کنند.

در این بازی شما می‌توانید با ظرافتی هنرمندانه، برخی از قوانین تربیتی را به کودک، آموزش بدهید. مثلاً کار اشتباهی را انجام بدهید تا او با عنوان پدر یا مادر به شما تذکر دهد. این تذکر، هنگامی که کودک از نقش پدر یا مادر بیرون می‌آید، می‌تواند تأثیرگذار باشد.

بازی، بازوی تربیت، ص ۱۲۰





خطرناک بود؛ اما امروزه، قیچی‌هایی مخصوص بچه‌ها وجود دارد که در لوازم التحریری‌ها به فروش می‌رسد.

وسایلی را که قابل بُرش هستند، در اختیار بچه‌ها قرار دهید تا آنها را با قیچی ببرند. بچه‌ها از بُردن خوششان می‌آید؛ حتی اگر شکل خاصی نداشته باشد؛ اما آرام آرام، یاد می‌گیرند که با قیچی، شکل‌های اشیای خارجی را درست کنند. کاغذ و مقوّا، پارچه، پلاستیک و ورقه‌های فوم، اشیای مناسبی برای بُردن و شکل درست کردن هستند.

برخی از شکل‌های هندسی را روی مقوّا بکشید؛ مثل مربع و مثلث. وقتی کودک کار با قیچی را یاد گرفت، شکل‌های کوچک‌تر و سخت‌تری بکشید. وقتی کودکان در کار با قیچی حرفه‌ای شد، شکل حیوانات و گل‌ها و... را هم می‌توانید بکشید.

برخی از نشریات و کتاب‌هایی که دیگر قابل استفاده نیست، عکس‌هایی دارد که بُردن آنها با قیچی برای کودک، جذاب است.

کار با قیچی، قدرت تعادلی کودک در استفاده از دست خود را بالا می‌برد. خلاقیت کودک برای درست کردن اشکال مختلف در این بازی تقویت می‌شود.

بازی، بازوی تربیت، صص ۵۴-۵۵



بازی با اعداد

یک نفر اوستا شده، هر کدام از بچه‌ها را با یک عدد، نامگذاری می‌کند.

پس از آن، یک مسئله ریاضی طرح می‌کند. پاسخ دهنده به آن مسئله، باید خیلی زود با گفتن یک کلمه مثل: من، بله، حاضر و... خود را از جمع، جدا کند.

جدا شدن از جمع، میتواند با یک حرکت همراه باشد. مثلاً اگر همه نشسته‌اند، پاسخ دهنده، بلند شود.

برای مثال، پنج نفر بازیکن را فرض کنید که از یک تا پنج، شماره‌گذاری می‌شوند. اوستا می‌گوید: «دو بعلاوه دو». در این جا خیلی زود، بازیکنی که شماره چهار روی او گذاشته شده، باید خود را از جمع، جدا کند و بعد هم به جمع برگردد. اگر این کار به وسیله او انجام نگیرد و یا این که با وقفه انجام شود، یک امتیاز منفی برای او محسوب می‌شود.

دوباره اوستا می‌گوید: «پنج، منهای سه». در این جا، بازیکنی که عدد دو روی او گذاشته شده، باید بیرون بیاید.

مسئله‌هایی که توسط اوستا بیان می‌شود، باید با اندازه معلومات بازیکنان، تناسب داشته باشد. اگر توانایی بازیکنان



چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟!

این کتاب نوشته یازده تن از نویسندگان اندیشمند و فعالان مهد کودک‌های غربی است که ترجمه کتاب *who will rock the cradle* و حاوی تعدادی مقاله درباره پیامدهای ناشی از سپردن کودکان به مهد کودک‌ها است. این کتاب به همت سمانه مدنی و آزاده وجدانی و به سفارش گروه مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی ترجمه و تلخیص شده است.

این کتاب درصدد بیان تأثیر نگرش فمینیستی بر کمرنگ شدن نقش همسری و مادری در بین دختران جوان است.

جریان فعال فمینیستی و جنبش رهاسازی زنان از ایفای نقش خانوادگی با عنوان همسر و مادر، دختران را تشویق می‌کنند تا با اولویت قائل شدن برای تحصیلات و اشتغال با هدف کسب موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی، ازدواج را به تأخیر اندازد و پس از ازدواج نیز فرزندآوری را به سال‌های پایانی باروری خود واگذارند و پس از تولد فرزند خود نیز مسئولیت و تربیت فرزند را به مهد کودک‌ها بسپارند.

در این کتاب روانشناسان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان آمریکایی، پیامدهای ناشی از سپردن نوزادان و کودکان به مهد کودک‌ها را در آن کشور بررسی و نقد کرده‌اند.

این کتاب برای خانواده‌ها و خصوصاً آنانی که برای کودکان این مرز و بوم دل می‌سوزانند و نیز محققان مسائل زنان و مسائل خانواده می‌توانند راهگشا باشند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت ای رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه کسی نیکی کنم؟

فرمود: به مادرت. آن مرد گفت بعد از او به چه کسی؟
فرمود: به مادرت. گفت سپس به چه کسی؟

فرمود: به مادرت. سؤال کرد سپس به چه کسی؟

فرمود: به پدرت

خداوند توصیه اکید به فرزندان، مبنی بر احترام والدین میکند. امام رضا علیه السلام فرمودند: «خداوند آزار والدین را حرام کرده. زیرا آزار رسانی به والدین موجب کمی نسل و حتی انقطاع آن می‌شود. آزار والدین به بی احترامی به جایگاه آنان و بی رغبتی آنان به فرزندان شدن و ترک تربیت فرزند می‌انجامد. بسا که احتمال می‌دهند فرزند به آنان بی احترامی خواهد کرد».

خداوند سختی‌های سه‌گانه (بارداری و زایمان و شیردهی) و سپس صبر و بردباری در راه بزرگ کردن فرزند را پاس داشته است. برای همه این زحمات‌ها ثواب‌های بی‌پایان ذکر شده است. برای مثال، زن باردار مانند انسان روزه‌دار، شب زنده‌دار و مجاهد در راه خدا معرفی شده که وقتی زایمان می‌کند اجری درک نشدنی دریافت می‌کند. هنگامی که فرزند خود را شیر میدهد در ازای هر مکیدن، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل نبی علیه السلام رابه دست می‌آورد. بیماری فرزند نیز کفاره گناه و تحمل آزارهای کودکان موجب استغفار برای مادر است.

چقدر جالب و پر معناست که شکر پدر و مادر درست در کنار شکر خدا قرار گرفته است. شکر والدین عبادت خدا و شکر خداست. چون منتهی به امر خدا می‌شود و آنها واسطه و عهده‌دار انتقال نعمت‌های الهی به فرزند می‌باشند.

پس احترام به آنها و تشکر از آنها واجب میشود



یک جرعه معرفت

تفسیر

ریحانه شریعتی

در آموزه‌های دینی، مادری یک ارزش به شمار می‌آید و مادران در مراقبت فرزندان از دیگران سزاوارترند. مادران هم زمان با بارداری در خود احساس مسئولیت ویژه‌ای می‌یابند. این احساس با زایمان و در مراحل رشد کودک گسترش می‌یابد که همراه با گذشت و مهربانی و بردباری است.

تأکید قرآن کریم بر مادران و مادری، به ویژه احسان به آنان به سبب مشقت‌هایی که در سه دوره بارداری، زایمان و شیردهی متحمل می‌شوند، از جایگاه ویژه مادران حکایت دارد.

خداوند منان در آیه ۱۴ سوره لقمان می‌فرماید: «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي سَامِيٍّ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا دِيكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ ما به انسان {درباره} پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش هنگام بارداری او را حمل کرد با سستی بر سستی {همواره بر ضعف او افزوده شد} و در دو سال به او شیر داد. {سفارش کردیم} که مراسپاس گذار و پدر و مادرت را. بازگشت به سوی من است».

خداوند در آیه شریفه، به زحمات فوق‌العاده مادر اشاره کرده که از نظر علمی هم ثابت شده و تجربه نشان داده که مادران در دوران بارداری گرفتار وهن و سستی می‌شوند. چرا که شیره جان و مغز استخوان خود را به پرورش جنین خود اختصاص می‌دهند و از تمام مواد حیاتی وجود خود بهترینش را تقدیم او می‌دارند. به همین دلیل، مادران در دوران بارداری گرفتار کمبود انواع ویتامین‌ها می‌شوند که اگر جبران نگردد ناراحتی‌هایی برای آنها بوجود می‌آید، حتی این مطلب در دوران شیردهی نیز ادامه می‌یابد، چون شیر، شیره جان مادر است.

دوران بارداری و شیردهی مادران، مربوط به همه مردم و امری طبیعی است و از عوامل پدید آورنده حقوق مادر بر فرزند است. چون بزرگ‌ترین فداکاری را هم از نظر روحی و عاطفی و هم از نظر جسمی و هم از جهت خدمات در مورد فرزندش انجام می‌دهد. جالب اینکه در آغاز آیه شریفه، توصیه درباره هر دو می‌کند ولی به هنگام بیان زحمات و خدمات تکیه روی زحمات مادر می‌نماید تا انسان را متوجه ایثارگری‌ها و حق عظیم او می‌سازد. وظیفه طبیعی و فردی این است که نباید از سپاس و احسان او، شانه خالی کنیم و ما مسئولیت داریم که به مادر احترام گذاریم و از زحمات او قدردانی کنیم.





بچه‌دارها حتماً بخوانند

چگونه بچه‌ای تربیت کنیم که مورد اعتماد دیگران باشد؟

مادران چطور می‌توانند کم‌کم تبعیض را از جامعه حذف کنند؟

حضرت امام ره می‌فرمایند: بچه بیش‌ترین تأثیر را از مادر می‌گیرد. و هیچ‌کسی به اندازه مادر در تربیت بچه موثر نیست. تأثیر مادر از مدرسه و جامعه و صدا و سیما بیشتر است. بعد می‌فرمایند دلیل این تأثیر منحصر به فرد، محبت منحصر به فردی است که بچه به مادر دارد و این محبت را به هیچ‌کس دیگری ندارد. لذا بچه ناخودآگاه تمام رفتارهای مادر را به دقت زیر نظر دارد و آنها را به عنوان یک الگو به خاطر می‌سپارد و تقلید می‌کند. لذا مادرانی که تربیت فرزندشان برایشان مهم است، باید به طور مضاعف در رفتارشان دقت کنند.

مثلاً اگر مادری بخواهد بچه‌ای تربیت کند که فردا یک آدم قابل اعتماد و اتکا باشد، یک مدیر موفق یا یک قاضی عادل باشد، اگر این مادر بین مهمان فقیر و پولدار فرق بگذارد، این بچه بی‌عدالتی و تبعیض را یاد می‌گیرد. مثلاً وقتی یک مهمان فقیر داشت، مامان توی آشپزخانه به بچه بگوید: «اینها هر دفعه مزاحم می‌شوند، همین که هست را ببر جلوشون بگذار»، اما وقتی مهمان ثروتمندی داشت، بگوید «پیش اینها آبرو داریم، آدم‌های مهمی هستند، بیا یک چیز درست حسابی براشون ببریم»؛ بچه اینها را یاد می‌گیرد، تبعیض و بی‌عدالتی را یاد می‌گیرد و بنا به فرمایش حضرت امام ره: «انسان تا آخر! به همان تربیت بچگی و کوچکی که شده است تا آخر به همان تربیت باقی می‌ماند؛ مگر یک عوامل بسیار قوی باشد که او را برگرداند».

لذا اغلب، ویژگی‌های شخصیتی خوب و بد بچه‌ها-در هر سنی! که باشند- بازتاب ویژگی‌های مادرانشان است. اگر این فهم در جامعه‌ای فراگیر شود، مادرها حداقل ۲ دلیل، ۲ انگیزه و ۲ کمک اضافه‌تر برای دقت بیشتر در رفتارهایشان دارند که غیر مادرها ندارند. و حتی مادرانی که بچه ۷ سال و ۱۴ سال ندارند، تقریباً از این ۲ کمک برای رشد معنوی محرومند.

استاد پناهیان

=====

امام رضا ع فرمودند: «کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد، اگر چه مقدار آن کم باشد.»

انجام اعمال نیک را به صورت گفتاری به فرزندان خود آموزش داده و او را به انجام آن عمل عادت دهید. بگذار صدقه را او به شخص مستمند بدهد. تو داری صدقه می‌دهی؛ اما به دست فرزندت صدقه بده. چقدر زیبا است! اثر تربیتی این نوع برخورد بسیار عمیق‌تر است. اگر این دو مطلب با هم تلفیق شوند اثر گذاری بیش‌تری خواهند داشت. معصوم ع نیز در روایت مورد بحث به ضرورت توأم بودن گفتار و رفتار والدین در امر تربیت فرزندان اشاره فرمودند.

حاج آقا مجتبی تهرانی ره

=====

استاد تحریری

اعمال و رفتار پدر و مادر در شکل‌گیری روحیه‌ی فرزندان بسیار موثر است؛ لذا فرموده‌اند: «شایسته است انسان مستحبات را در منزل انجام دهد». بنابراین لازم نیست همیشه تذکر داد، بلکه رفتار عملی تأثیر خود را می‌گذارد. به عنوان مثال، هنگام شروع غذا، بسم الله را بلند بگوییم تا کسانی هم که فراموش کرده‌اند، یادشان بیاید و بگویند.

انسان و گستره‌ی حقوق بندگی



پر پرواز



میرزا اسماعیل دولابی

بچه‌ها خوبند، قشنگند. به بچه‌ها خیلی ایراد نگیرید؛ اغلب پدر و مادرها به قصد خوبی کردن به بچه‌ها و تربیت آنها بچه‌ها را خراب می‌کنند چون علم ندارند. حالا که علم نداریم و نمی‌توانیم درست کنیم حداقل به حال خودشان بگذاریم و دائم به آنها امر و نهی نکنیم و اذیت‌شان نکنیم. با همین به اصطلاح تربیت کردن‌هاست که پدر و مادرها بچه‌ای را که با فطرت متولد شده است به راست یا چپ منحرف می‌کنند و یواشکی آنها را یهودی یا نصرانی می‌کنند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ؛ هر نوزادی بر فطرت الهی متولد می‌شود تا اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی می‌کنند». به نظر من اصلاً به بچه دست نزنید. خودت درست راه برو، بچه که در کنار توست همین که تو را می‌بیند، برای ساخته شدنش کافیهست. چقدر ائمه علیهم‌السلام فرمودند: «مردم را با عملتان و نه با زبانتان به راه دین دعوت کنید».



حسن علیه السلام نقل شده که: مادرم فاطمه شب جمعه در محراب عبادت می‌ایستادند و مدام مومنین و مومنات را دعا می‌کردند. از ایشان پرسیدم چرا برای خود دعا نمی‌کنید ایشان فرمودند: «یابنی الدار ثم الجار» (اربلی، ۱۳۸۱، جلد ۱، صفحه ۴۶۸).

حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمومنین علیه السلام روحی فداک مفاهیمی مانند انفاق و ایثار را نیز از کودکی درون فرزندان خود نهادینه می‌کردند. روایات موثق بسیار زیادی نیز در این باره به دست ما رسیده است.

۲. توجه به نیازهای مادی:

انجام امور روزمره فرزندان و توجه به برآورده کردن نیازهای آنان برای حضرت زهرا علیها السلام از اولویتهای زندگی محسوب می‌شود و هر گاه بین رسیدگی به فرزندان و کارهای دیگر مخیر بودند، همراهی با فرزندان را بر می‌گزیدند.

در روایتی آمده است، که سلمان فارسی می‌گوید: «فاطمه علیها السلام نشسته بودند و دستاسی در مقابلش قرار داشت که با آن جو آسیاب می‌کردند از دسته آن دستاس خون جاری بود و حسین علیه السلام در یک گوشه خانه می‌گریست. سلمان گفت: من بنده آزاد شده‌ای هستم، اجازه بده یا جو آسیاب کنم، یا حسین علیه السلام را برای شما ساکت نمایم. فاطمه علیها السلام فرمودند: «من برای ساکت کردن بچه اولی هستم، و تو جو را آسیاب کن.» (قطب راوندی، ۱۴۰۹، جلد ۲، صفحه ۵۳۰).

این کلام حضرت نشان دهنده، نگاه دقیق و خاص ایشان به توجه و مراقبت مستقیم مادر از کودک است و همچنین به اولویت مادر با توجه به رابطه عاطفی او نسبت به فرزند در انجام امور فرزند اشاره می‌کند.

یکی از امور مورد توجه مادر تغذیه کودکان می‌باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام، داریم که حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر کارهای منزل، شیر دادن فرزند را نیز بر عهده گرفته و از آن غفلت نمی‌ورزیدند. ایشان برای تهیه غذا و خوراک فرزندان، خودشان آسیاب کردن گندم و جو را انجام داده و با استفاده از مواد سالم و مورد اطمینان برای اعضای خانواده غذای مقوی و سالم تهیه می‌کردند، که همین امر در سر زندگی و

بوزنه فضا، فاطمه علیها السلام در روز هفتم ولادت، موهای سر حسن و حسین علیهما السلام را تراشیده و وزن کرد و به همان وزن نقره صدقه داد. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۱۶، صفحه ۱۰).

نکته مورد اهمیت دیگر آموزش مسائل عبادی از همان کودکی است؛ که حضرت زهرا علیها السلام در کودکی به فرزندان خود مسائل عبادی را به خوبی آموزش می‌دادند. ایشان با روش‌های غیر مستقیم سعی در تربیت روح لطیف و طینت پاک فرزندان خود نموده و تلاش می‌کردند، فرزندان شاهد رفتارهای عبادی و غیر مستقیم از مادر باشند

حضرت همیشه برای عبادت خود جایگاه خاصی قائل می‌شدند، به طوری که در مورد عبادت ایشان آمده؛ «آنقدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایشان می‌ایستادند که پاهایشان ورم می‌کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، جلد ۳، صفحه ۳۴۱).

همینطور حضرت زهرا علیها السلام شب‌های قدر با تنظیم خوراک و خواب فرزندان تلاش می‌کردند که ایشان را برای احیا و عبادت در این شب‌ها آماده کنند.

اساتید علم تربیت اعتقاد دارند، زمانی که در خانه یک برنامه خاص اجرا می‌شود، کودکان به علت تحریک حس کنجکاوی دنبال دریافت اطلاعات بیشتر در این زمینه هستند. مادران نقش بسیار مهمی در جهت دادن به این کنجکاوی کودک ایفا می‌کنند و می‌توانند با برنامه‌ریزی، تشریح جایگاه و اهمیت اعمال عبادی به فرزندان کمک کنند.

یکی دیگر از موارد، مورد اهمیت پرورش حس زیبایی شناسی در فرزندان است حضرت زهرا علیها السلام با تمیز و مرتب نگه داشتن منزل و زدودن آلودگی‌ها این حس را در کودکان خود رشد داده و هدایت می‌کردند. در روایات متعددی داریم که حضرت بسیار منزل را جارو می‌کردند، به طوری که تمام لباس‌هایشان غبارآلود می‌شد و حسنین علیهما السلام را می‌آراستند. قطعاً این امر باعث نشاط روحی در فرزندان می‌شود.

نکته مورد توجه دیگر، حس نوع دوستی و همدردی است. حضرت زهرا علیها السلام این رفتار را به صورت عملی به فرزندان خود آموزش می‌دادند. در روایتی از امام



یادداشت

مرضیه ساجدی فر

نقش مادری و تربیت فرزند با توجه به سیره حضرت زهرا علیها السلام

به طور کلی در سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام فرزند پروری به دو بعد مادی و معنوی قابل تقسیم است:

۱. توجه به امور معنوی:

حضرت زهرا علیها السلام با استفاده از فرصت‌های عمیق معنوی، امتیاز بزرگی در رفع نیازهای مادی و معنوی فرزند ایجاد می‌کردند. در استفاده از این فرصت حضرت به اموری مانند عقیقه برای فرزند به منظور جلوگیری از حوادث و گرفتاری‌های ناگوار آزاردهنده و خسته کننده اهتمام می‌ورزیدند. در روایتی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام نقش شده که: «آن فاطمه عقت عن الحسن والحسين علیهما السلام» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، جلد ۲، صفحه ۴۶).

اهمیت عقیقه زمانی آشکار می‌شود، که در روایات مختلفی می‌بینیم با وجود آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام عقیقه قرار داده بودند، ولی حضرت زهرا علیها السلام خود نیز به این کار مبادرت ورزیدند.

نکته قابل توجه دیگر صدقه دادن برای فرزند است. در روایتی از امام صادق علیه السلام داریم که «آن فاطمه خلقت حسنا وحسینا علیهما السلام» یوم سابعهما ووزنت

تربیت فرزندان با شخصیت سالم و با ثبات، از مهم‌ترین مقولات مطرح در جامعه انسانی است و دست یافتن به شیوه‌های صحیح و موثر تربیت دارای اهمیت بالایی می‌باشد و در آینده هر کشور نقش اساسی ایفا می‌کند. لذا از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین، تربیت درست فرزندان در خانواده است. از طرفی برای داشتن روش درست تربیتی نیازمند الگوی تربیتی و قابل اطمینان هستیم به گونه‌ای که تربیت موفق فرزندان همراه با نشاط و پویایی در بستر خانواده مهیا شود. مسلمانان با استفاده از سرچشمه وحی و خاندان پاک عصمت و طهارت به چنین الگویی دسترسی دارند. زنان مسلمان با مطالعه روش‌های تربیتی حضرت زهرا علیها السلام می‌توانند، الگوی مناسبی در تربیت ابعاد مختلف جسمی، عبادی، عاطفی و اعتقادی فرزندان خود داشته باشند.

در این نوشتار با توجه به سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام در نظر داریم تا نکاتی را به صورت مختصر از روش‌های تربیتی ایشان در اختیار مخاطب قرار دهیم. حضرت زهرا علیها السلام به تربیت دو معصوم اهتمام گزیده‌اند و در این مسیر متد و معیارهای تربیتی ایشان مورد توجه بسیاری از اساتید علم تربیت قرار گرفته است.



کتاب محرمات با مادران

تعریف شما از دختر چیست؟؟

ارتباط شما با دخترتان چگونه شکل گرفته است؟؟

چقدر روی تربیت جنسی دختر خود حساسید؟؟

...

این سؤالاتی است که باید هر روز از خود بپرسیم و به دنبال جوابی برای آن باشیم.

کتاب محرمات با مادران پاسخی جامع به همه معماهای ذهنی ما در رابطه تربیت دختران است.

فصل اول: دختران و ضرورت توجه کردن به دختران

فصل دوم: نوجوانی و علائم بلوغ جسمی و روحی در این دوران. همچنین ارائه راهکارهایی با توجه به مشکلات این دوران.

فصل سوم: بلوغ و رشد جنسی از قبل از تولد تا دوران نوجوانی. بر اساس ویژگی‌های این دوران.

فصل چهارم: تربیت جنسی، تعریف و ضرورت توجه به آن. ارائه شاه کلیدهایی ویژه والدین.

فصل پنجم: آموزش جنسی و سرفصل‌های که در این دوران نیاز است نوجوان از آن اطلاع داشته باشد.

فصل ششم: کنترل میل جنسی و راهکارهای کنترل آن که از مهم‌ترین بخش‌های این کتاب است.

فصل هفتم: انحرافات جنسی و راه‌های درمان از جمله بیماری خود ارضایی که در این فصل به طور مفصل بدان پرداخته شده است.

استاد قرائتی

روز قیامت بعضی بهشتی‌ها به بعضی می‌گویند: چطور شد شما بهشتی شدید؟ می‌گویند: ما نسبت به بچه‌هایمان دلسوزی داشتیم. «إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» ... دلمان به حال بچه‌هایمان می‌سوخت.

نگفتیم: حالا این بچه است ولش کن، حالا این نوجوان است ولش کن، حالا این جوان است ولش کن، خوب دیگر بعد از کودکی و نوجوانی و جوانی چطور می‌خواهی صافش کنی؟

کسی که معتاد شد به کار خرابی، دیگر نمی‌شود... آقا این دختر هنوز ۹ ساله نشده است. اگر تا ۹ سالگی بی‌حجاب در خیابان رفت سر ۹ سال نمی‌توانی فوری بگویی: چادر! این ۹ سال است به بی‌حجابی عادت کرده است.

درس هایی از قرآن، مورخ ۹۸/۳/۹

آیت الله حائری شیرازی

تشویق و محبت بیش از حد، مثل کود زیاد است که به گل داده می‌شود. همان‌طور که کود زیاد عامل فساد گل می‌شود، محبت و تشویق زیاد نیز در تخریب اخلاق کودک تأثیری عمیق دارد. باید هنگامی کودک را تشویق نمود که تشنه تشویق باشد و به تعبیر دیگر: کودک منتظر تشویق از سوی شما باشد. در این صورت این تشویق در بالندگی کودک نقش به سزایی خواهد داشت. اگر می‌خواهید

کودکتان را نصیحت کنید آنجا

نیز طوری رفتار کنید که

کودک شما برای

نصیحت آماده

باشد.





بزرگ‌منش را پدیدار کنیم.

چه بسا که مادران توانمند، خلاق، کوشا و جوان با توجه به این نکات اخلاقی مهم در تربیت نسل مهدوی، امیدوارانه گام بردارند.

شادابی اعضای خانواده بسیار موثر بود.

روایتی دیگر داریم که: «حضرت فاطمه علیها السلام غذا می‌جوید برای حسن علیه السلام، سپس برای حسین علیه السلام، در حالی که در ماه رمضان روزه بود». (شیخ حر عاملی ۱۴۱۴ جلد ۴ صفحه ۱۹۰).

ایشان در حال عبادت و روزه‌داری نیز از توجه به فرزندان غافل نمی‌شدند، با کوچک‌ترین بهانه خود را از وظایف مادری معاف نمی‌کردند.

نکته مورد توجه دیگر، بازی با کودکان است. مطالعات نشان می‌دهد که بازی با کودکان می‌تواند در آموزش غیر مستقیم آنها نقش بسیار موثری داشته باشد. همچنین بسیاری از نواقص روحی و تربیتی کودک در بازی قابل جبران است. حضرت زهرا علیها السلام نیز به این نکته بسیار توجه داشتند. ایشان با کودکان خود بازی می‌کردند و وارد دنیای کودکان می‌شدند. در روایت‌های بسیاری ایشان با شعر خواندن در هنگام بازی برای فرزندان الگو سازی می‌کردند.

اشبه اباک یا حسن واخلع عن الحق الرسن

واعبد الها ذا منن ولاتوال ذا الاحن

حسن جان مانند پدر باش و ریسمان ظلم و ستم را از گردن حق برکن. خداوند منان را پرستش کن و کینه توز و حقوق ستیز را به دوستی مگیر.

و در بازی با فرزند خود حسین علیه السلام می‌خواندند:

”انت شبیه بابی لست شبیهها بعلی“

[تو بیش از پدرت علی، به پدرم رسول الله شباهت داری.]

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، جلد ۳، صفحه ۳۸۹).

از این سیره می‌توان دریافت که مفاهیم دینی و اخلاقی را باید با زبانی کودکانه و دلپذیر و در شرایط مناسب به فرزندان آموزش دهیم و مادر نقش بسیار اساسی و مهم در این امر دارد.

در این نوشتار تلاش کردیم با توجه به سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام نقش مادر در تربیت فرزندان و انسان‌های اخلاق‌مدار، موفق، دیندار، حق‌طلب و

هرگز بر سر کودک خود فریاد نزنید!

عواقب فریاد زدن بر سر کودک:

- (۱) باعث نابودی اعتماد به نفس کودک می‌شود.
- (۲) روح کودک آسیب می‌بیند.
- (۳) کودک دچار اضطراب می‌شود.
- (۴) کودک از ترس موارد اشتباه را پنهان می‌کند و این زمینه دروغ‌گویی را در فرزند شما در سال‌های بعد فراهم می‌کند.
- (۵) باعث کاهش عزت نفس کودک می‌شود.
- (۶) باعث افزایش رفتار خشونت آمیز در کودک می‌شود.



www.irandoc.ir

www.hawzeh.net

www.noormags.ir

www.lib.ir

www.elmnet.ir

#خانواده آشفته

و

#خانواده بالنده

فرض می‌کنیم، بچه‌ای لیوانش را بیندازد و بشکند.

در خانواده‌های آشفته این حادثه ممکن است منجر به سخنرانی، خوردن سیلی و شاید تبعید کردن بچه با چشمان اشکی، به اطاقش شود.

ولی در خانواده بالنده، به احتمال زیاد یک نفر خواهد گفت:

پسرم لیوانت شکست؟

ببینم انگشتت را هم بریده‌ای؟

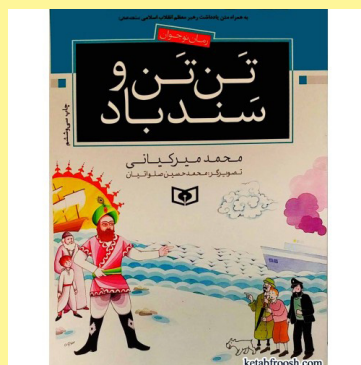
من برایت یک چسب زخم می‌آورم، بعد برو جارو بیاور و تکه‌های شکسته را جمع کن.

خانواده‌ی بالنده میدانند زندگی آدمی و احساسات بشری و تأثیر آن روی آینده‌ی کودک از هر چیز دیگر مهم‌تر است.

ویرجینیا ستیر



بنابراین، برای تدوین پیشینه، می‌توان به پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات مراجعه کرد. تحلیل اجمالی هر کدام از موارد نوشته شده انجام و به کاستی‌ها و کمبودها و نقاط قوت اشاره کنید. سپس امتیاز پژوهش فعلی با موارد ذکر شده را بیان کنید.



کتاب تن تن و سندباد (رمان نوجوان)

«تن تن و سندباد» داستان بلند تخیلی و هیجان انگیزی است که در آن، درگیری و کشمکش‌های خطرناکی بین دو دسته از شخصیت‌های اصلی رخ می‌دهد. تن تن، پروفیسور میلو، سوپرمن و تارزان، قهرمانان قصه‌های مغرب زمین، قصد دارند سرزمین قهرمانان قصه‌های شرقی را فتح کنند تا دنیا کاملاً در تسلط خودشان باشد و نام نشانی از این قهرمانان باقی نماند. اما سندباد، نخودی، پهلوان پنبه و علاءالدین، قهرمانان قصه‌های مشرق زمین، در مقابل آنها قرار می‌گیرند تا جلوی نفوذشان را برای تسخیر سرزمین‌های شرقی بگیرند.



گام به گام با محقق

اصول مقاله نویسی

مرضیه باباخان



گام سوم: طرح نویسی

اجزای طرح:

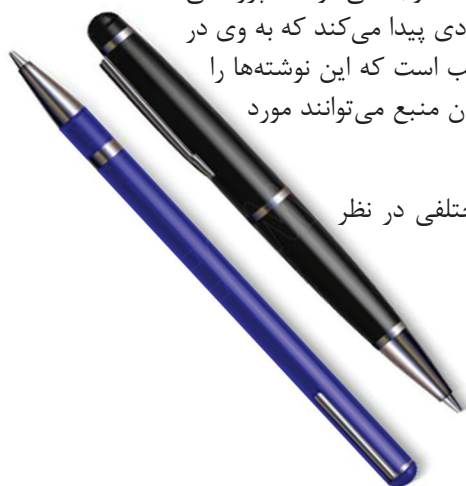
در شماره‌های پیشین نشریه، سومین گام تحقیق یعنی طرح نویسی آغاز گردید؛ و بیان شد که طرح تحقیق، راهنمای پژوهشگر در طول تحقیق است و شامل اجزایی چون تبیین مسئله، اهمیت و ضرورت، اهداف پژوهش، پیشینه تحقیق و سؤالات اصلی و فرعی و.... است. در این شماره به توضیح پیشینه تحقیق می‌پردازیم.

۴. پیشینه تحقیق:

پیشینه یا تاریخچه تحقیق، بررسی سرگذشت موضوع تحقیق با هدف شناسایی پژوهش‌های انجام شده به منظور ایجاد نوآوری در تحقیق است. محقق در طول بررسی پیشینه به کتاب‌ها، پایان نامه‌ها و مقالاتی دست پیدا می‌کند که با موضوع مورد نظر تطابق دارند. لذا با بررسی این نوشته‌ها می‌تواند نوآوری و جدید بودن کار خویش را بیان کند. پس بر محقق لازم است که در این قسمت از طرح، تحقیقاتی را که مطابقت کامل موضوعی دارند، بیان و تفاوت و امتیاز کار پژوهشی خویش را با این پژوهش‌ها ذکر نماید.

در مواردی محقق با جستجویی که انجام می‌دهد، متوجه می‌شود که پژوهشی در این زمینه انجام نگرفته است، اما گاهی مواردی پیدا می‌کند که به وی در نوشتن تحقیق کمک می‌کند. در اینجا مناسب است که این نوشته‌ها را معرفی و بیان کند که این تحقیقات به عنوان منبع می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.

برای یافتن پیشینه تحقیق سایت‌های مختلفی در نظر گرفته شده است. سایت‌هایی چون:





آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه:

اسقاط جنین حرام است، ولی هرگاه جنین در مراحل ابتدایی باشد و به صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقیماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن به تصدیق اهل اطلاع متدین باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، پایان دادن به حاملگی جایز است و احتیاطاً باید دیه را بدهند و دیه جنین بر کسانی است که در سقط دست داشته‌اند و چنانچه مادر با میل و اختیار، خود را در اختیار طبیب قرار داده که سقط کند نیمی از دیه بر عهده اوست و باید علاوه بر پرداخت دیه از گناه بزرگی که مرتکب شده اند بطور جدی توبه کنند و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران نمایند و توجه داشته باشید جنین قبل از آن که روح در آن دمیده شود دارای پنج مرحله است، نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم و دیه آن بنابر احتیاط واجب به شرح زیر است: در بیست روز اول که نطفه است، ۱۵ مثقال معمولی طلا و در بیست روز دوم که علقه است، ۳۰ مثقال و در بیست روز سوم که مضغه است، ۴۵ مثقال و در بیست روز چهارم که عظام است، ۶۰ مثقال و در بیست روز پنجم که لحم است، قبل از آن که خلقت جنین کامل شود و در شکم مادر به حرکت درآید ۷۵ مثقال و پس از دمیدن روح در پسر دیه کامل و در دختر نصف دیه کامل تعلق می‌گیرد.

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه:

انداختن حَمْل پس از انعقاد نطفه، جایز نیست و دیه و کفاره (دو ماه روزه متوالی) دارد، مگر این که باقی ماندن حمل برای مادر ضرر جانی داشته باشد، یا مستلزم حرج شدیدی باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود، که در این صورت قبل از دمیدن روح و جان گرفتن جنین اسقاط آن جایز است، و بعد از آن مطلقاً جایز نیست و اگر مادر حمل خود را بیاندازد، دیه آن بر مادر واجب است و باید آن را به پدر یا دیگر ورثه‌اش بپردازد.

اگر پدر حمل را بیاندازد، دیه‌اش بر او واجب است و باید آن را به مادر بپردازد.

اگر پزشک این عمل را انجام دهد، دیه بر او واجب است، مگر اینکه وارث ببخشد، هر چند اسقاط جنین به درخواست پدر و مادر باشد. و کافی است در دیه جنین پس از جان گرفتن آن پرداختن پنج هزار و دویست و پنجاه مثقال نقره، اگر جنین پسر باشد، و نصف این مقدار اگر دختر باشد.

- بنابر احتیاط واجب - دیه جنینی که در رحم بمیرد نیز همین مقدار است.

اگر جنین جان نداشته باشد، در صورتی که نطفه باشد کافی است در دیه آن یکصد و پنج مثقال نقره و اگر خون بسته باشد دویست و ده مثقال، و اگر گوشت باشد سیصد و پانزده مثقال و اگر استخوان داشته باشد چهارصد و بیست مثقال، و اگر اعضا و جوارحش کامل باشند پانصد و بیست و پنج مثقال.

بنابر احتیاط واجب، فرقی بین پسر و دختر در فرض جان نداشتن نیست و دمیده شدن روح در نطفه در ماه چهارم است. مگر اینکه توسط دستگاه‌های جدید غیر از آن ثابت گردد.

آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه:

کشتن جنین مطلقاً حرام است و دیه دارد که به وارث او در صورتی که سبب سقط نباشد می‌رسد و چنانچه ولوج روح هم شده باشد (جنین روح داشته باشد) کفاره هم دارد ولی تا زنده به دنیا نیامده باشد، مطلقاً قصاص ندارد.



تأدیب و زدن فرزندان توسط والدین تا چه مقدار جایز است؟

آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه: تا حدی که موجب دیه نشود مانع ندارد.

آیت الله سیستانی رحمته الله علیه: اگر مانع نباشد آهسته اشکال ندارد.

آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه: تا مقداری که موجب دیه نشود توسط پدر جایز است.

آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه: برای تربیت در موارد لزوم به مقداری که موجب دیه نشود اشکال ندارد.

آیت الله بهجت رحمته الله علیه: تا حدی که ایجاب دیه نرسد.



آیت الله مکارم رحمته الله علیه: در عصر و زمان ما تنبیه بدنی مناسب نیست حتی الامکان از راه و روش‌های دیگر برای تأدیب استفاده کنید.

آیت الله تبریزی رحمته الله علیه: در صورتی که تأدیب متوقف بر زدن باشد به مقداری که تربیت بر آن منحصر متوقف است باید انجام شود و به مجروح کردن امثال آن نباید منجر شود.

نظر مراجع تقلید در مورد سقط جنین

امام خمینی رحمته الله علیه:

ختم بارداری به دلایل اقتصادی، حتی اگر خانواده در شرایط دشوار مالی قرار بگیرند، و یا به علت سن مادر و یا کثرت فرزندان مجاز نیست. حتی اگر مادر دچار اختلال روانی نیز باشد سقط جنین برای او مجاز نیست.



آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه:

سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نبوده و توبه جدی از آن لازم است و باید دیه سقط جنین پرداخت شود که اگر علقه باشد دیه آن چهل دینار است و اگر مضغه باشد شصت دینار است و اگر استخوان بدون گوشت باشد هشتاد دینار است و دیه به وارث جنین با رعایت طبقات ارث پرداخت می‌شود. ولی وارثی که مباشر سقط جنین بوده از آن، سهمی ندارد. دینار شرعی معادل سکه طلا به وزن یک مثقال شرعی (۳/۶ گرم) می‌باشد و قیمت آن را می‌توان از بازار بدست آورد.

سقط جنین در هر شرایطی حرام است، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست، حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد.



آخرین خورشیدگرفتگی قرن در استان‌ها

نخستین روز تیرماه ۹۹ پدیده نجومی خورشیدگرفتگی از حدود ساعت ۸ و ۵۰ دقیقه صبح آغاز، ساعت ۱۰ تا ۱۰:۳۰ دقیقه به اوج و حدود ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه تا ۱۲ ظهر به پایان رسید.

وداع با پیکر شهید

«نسیم افغانی»

مراسم وداع با پیکر شهید تازه تفحص شده دفاع مقدس، «نسیم افغانی» شامگاه دوشنبه ۹ تیر ۱۳۹۹ در رواق امام خمینی حرم مطهر رضوی برگزار شد.



بیروت در آزادی

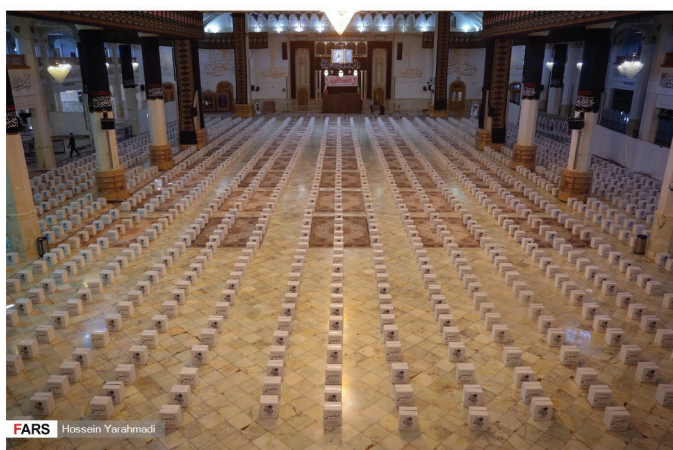
شامگاه چهارشنبه ۹۹/۵/۱۵ برج آزادی تهران در پی انفجار بندر بیروت و به نشانه همدردی مردم ایران با مردم لبنان، به رنگ پرچم این کشور درآمد.

عصر سه‌شنبه ۹۹/۵/۱۴ در پی وقوع انفجار شدید و آتش‌سوزی گسترده در یکی از انبارهای مواد آتش‌زا واقع در بندر بیروت، ۱۱۳ نفر کشته و بیش از ۴ هزار نفر زخمی شدند.





عکس و مکث



رزمایش مواسات و همدلی

حضرت امام خامنه‌ای رهبر:

ماه رمضان، ماه انفاق و ایثار و کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت.

هر خانه یک حسینه

امسال که مردم نمی‌توانند در مراسم‌ها و عزاداری‌های محرم شرکت کنند، مردم خانه‌ها را تبدیل به حسینه کردند.



photo : Amir Hossein Nasooti

بازگشت پزشک ایرانی آزاد شده

از آمریکا



مجید طاهری پزشک ایرانی که به اتهام دور زدن تحریم‌ها در آمریکا زندانی بود، بامداد دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ از طریق فرودگاه امام خمینی رهبر به کشور بازگشت.



سه الی چهار کار همزمان انجام دادن، برای یک مادر عادی‌ترین کار است. مثلاً در حالیکه بچه را بر روی پایت خواب میکنی، برای برادر بزرگترش دیکته می‌گویی و البته بافتنی هم میکنی و خب گاهی برنامه های تلویزیون را هم رصد می‌کنی.

بالاخره باید تدبیر داشت و البته از بچه‌داری کمال لذت را ببرد. چراکه بچه‌ها بسیار سریع بزرگ می‌شوند و زندگی به عقب برنمی‌گردد.

انشاءالله که تمام فرزندان مسلمین و شیعیان، با دعای پدرها و مادرها و در پناه حضرات معصومین (ع) سالم و عاقبت بخیر باشند.

استاد محترم، سرکار خانم اخباری (ع)

جامعه فعال و پویا و آگاه و جوان آینده به همت مادران امروز بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه فعلی، زنان عالم و آگاه به زمان و مادرانی موفق، فرزندآور و پیرو فاطمه و علی (ع) می‌باشد.

فرزندآوری و تحصیل موازی همنند، عمود بر هم. مادر بودن هنر ارزشمندی است که هر کس توفیق آن را ندارد. طلبه‌های عزیز! یاران امام عصر (ع) باید در دامان شما فرهیختگان دغدغه‌مند پرورش یابند.

بنده در سن ۴۸ سال و اندی بودم که خداوند سبحان برای نهمین بار توفیق مادر شدن را به بنده عنایت کرد. تابستان بود. یک ترم هم تدریس نگرفتم. وقتی بچه به بغل وارد حوزه شدم، مورد تشویق، شادی و تحسین قرار گرفتم و شاید در ذهن برخی سوالات زیادی شکل گرفته بود که:

-فرزند در سن بالا معلوم نیست سالم باشد؛ شاید کم ذهن و سربار جامعه بشود؛ آیا از عروس و دامادش خجالت نکشیده؛ چگونه می‌خواهد با وجود آنها و این مقدار تدریس به تحصیلش هم ادامه دهد (سطح ۴) و..... که گذشت زمان به همه این سوال‌ها جواب خیلی خوب، کامل و بجایی داد.

از جمله خاطراتی که در این ایام داشته‌ام:

۱- هنگام به دنیا آمدن فرزند هفتم تا زمان بیهوشی کامل با نیروهای مسئول و یکی از آنها که اصلاً رعایت حال و موقعیت زمانی را نمیکرد، در حال بحث بودم. او می‌گفت چرا اینقدر بچه می‌آورید و رها می‌کنید در جامعه. نه فکر آینده بچه‌ها هستید، نه آینده جامعه. من هم تا آخرین لحظه هوشیاری از فرزندپروری و شیعه‌پروری دفاع کردم. فردای آن روز در بخش با ورق زدن پرونده‌ام و آگاه شدن موفقیت فرزندانم معذرت خواهی کرد و گفت باید شماها فرزند زیاد بیاورید.

۲- فرزند نهم بنده، ذهن پویا و جستجوگر و پرسش‌گری داشت که من با سن ۵۰ و چند سالگی باید مدام به دنبالش می‌دویدم و باید بخاطر بعضی از کارهایش معذرت خواهی میکردم. روزی با امیرعباس زرنگ و شاد و پر جستجو به بانک وارد شدم. تا زمانیکه نوبتم بشود، یکسره با هم همه جای بانک را قدم می‌زدیم. لحظه ای که می‌خواستم کار بانکیم را انجام دهم، دیدم امیرعباس نیست. دنبالش گشتم، دیدم رفته در قسمتی که مدیر بانک نشسته بود و با او گرم صحبت شده که اینها چیست، اینجا چه کار میکنی و اوراق مدیر را جابجا می‌کرد...

استاد محترم، سرکار خانم صفایی (ع)



صمیمانه

پای تجربه اساتید

حقیر در سن ۱۸ سالگی ازدواج کردم و دقیقاً مصادف با زمان کنکور بود. به طوری که در اواخر خرداد ماه بلافاصله بعد از اتمام دوره‌ی پیش دانشگاهی و امتحانات پایانی عقد کردم، تیرماه هم کنکور داشتم. الحمدلله به لطف حق کنکور را با موفقیت به پایان رساندم. همزمان حوزه هم شرکت کرده بودم که خدا را شکر هر دو را قبول شدم و تحصیل در رشته میکروبیولوژی دانشگاه و سطح ۲ حوزه را همزمان شروع کردم.

مدت کوتاهی که از آغاز زندگی مشترک و اتمام مقاطع لیسانس و سطح ۲ گذشت، بدون وقفه سطح ۳ و ۴ و ارشد دانشگاه را ادامه دادم و با یاری خداوند متعال هرگز درس خواندن را مانع زندگی یا بالعکس ندیدم. اتفاقاً همواره باعث نظم بیشتر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر در زندگی‌ام شد.

در حال حاضر با وجود سه فرزند دارای دو مدرک لیسانس، ۵ مدرک فوق لیسانس و اشتغال به پایان نامه دکترا هستم. البته عنایت الهی، دعای خیر والدین و لطف و همراهی همسر در این مسیر کاملاً مشهود است. من باز هم آرزوی درس خواندن دارم و هرگز خود را فارغ التحصیل نمی‌دانم.

استاد محترم، سرکار خانم فرخنده رحمته‌الله

اولین مطلبی که باید عرض کنم اینست که نگاه ما به فرزند و فرزندداری بسیار در رفتار ما تأثیرگذار است. از نظر من، بچه‌ها از بزرگترین لذت‌ها و هیجانات زندگی مشترک هستند. بچه‌ها هستند که با حضور زیبا و لطیف خود، زندگی را زیباتر و شیرین‌تر میکنند. نگاه کردن به تک تک حرکات و دنبال کردن مرحله به مرحله رشد آنها از بزرگترین لذت‌های دنیاست.

من برای بزرگ شدن فرزندانم هیچ عجله‌ای نداشتم و ندارم و هر سن و سالی که بچه‌ها دارند، برایم لذت‌بخش و سرگرم کننده است. برای من فرزندداری بیشتر از آنکه کار و وظیفه و مسئولیت باشد، تفریح و شادی و لذت است.

من چهار فرزند دارم که اولی و آخری ۱۰ سال فاصله سنی دارند و معلوم است که بچه‌هایی با این سن و سال، برای مادر خیلی زحمت دارند، به ویژه در شهر غریب و دور از خانواده. ولی باید قبول کنیم که وقتی وظیفه مادری را می‌پذیریم، این وظیفه بسیار سنگین و پر زحمت است. حجم کار و وظایف شما بعد و قبل از آمدن بچه اصلاً قابل مقایسه نیست. باید با برنامه‌ریزی و صبر و البته عشق و محبت کارها را جلو ببریم.

مسلماً یک مادر نمی‌تواند به اندازه دوران مجردی و بی‌فرزندگی وقت آزاد و فرصت برای کارهای مختلف داشته باشد. ولی باید اهم و مهم کند. بنده، خودم اولویت اولم را بچه‌داری قرار داده بودم. ولی به طور کامل از درس و بحث جدا نشدم و در ساعات محدودی کلاس می‌گرفتم. مطالعات داخل منزل را داشتم و مثلاً پایان‌نامه را در همین سال‌هایی که کمتر امکان بیرون رفتن داشتم، نوشتم.



بیانات مقام معظم رهبری (عج) در آغاز سال جاری:

یکی از امکانات و ظرفیت‌های مهم، موج جمعیتی است که بعضی‌ها مخالفند؛ این خطاست.

هشتاد میلیون جمعیت در یک کشور، آبرو برای این کشور است؛ اینکه من اصرار میکنم که حتماً بایستی تکثیر نسل بشود، خانواده‌ها باید فرزندان بشوند -فرزندهای بیشتری- برای این است که فردای این کشور به همین جوان‌ها احتیاج دارد و جوان و نیروی انسانی چیزی نیست که انسان بتواند از خارج وارد کند؛ بایستی خود کشور آن را تأمین بکند.

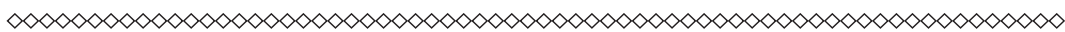
ما چند سال قبل اصرار کردیم، گفتیم -در سخنرانی، در جلسات خصوصی با مسئولین- که موانع تولید نسل را بردارید؛ مسئولین هم قبول کردند، تصدیق کردند حرف ما را، منتها در مدیریت‌های میانی متأسفانه موانعی وجود دارد؛ آن‌چنان که باید و شاید به این نسخه‌ی اسلامی که «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَاتَّيُّ أَبَاهِي بِكُمْ الْاُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» عمل نمی‌کنند، [اما] به نسخه‌ی غربی عمل می‌کنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است.



اثرات مفید بارداری و شیردهی بر سلامت زنان

بارداری، علاوه بر جنبه‌های روحی و عاطفی، منافع‌های جسمی و فیزیکی گوناگونی هم برای بانوان دارد. بارداری و وضع حمل موجب تقویت و کارکرد بهتر حافظه می‌شود، مادرانی که حداقل یک بار زایمان کرده‌اند، در مقایسه با دیگر خانم‌ها حافظه قوی‌تری دارند و در درک اتفاقات و رویدادهای محیط خود موفق‌تر و هوشمندترند. احتمال ابتلا به سرطان سینه در زنانی که هرگز باردار نشده‌اند، بیشتر از مادران است و هرچه سن زن در باروری نخست کمتر باشد، احتمال ابتلا به سرطان سینه کمتر می‌شود. داشتن یک باروری، شانس ابتلای رحم به توده سرطانی را کم می‌کند و هرچه تعداد حاملگی‌ها بیشتر باشد، احتمال ابتلا به فیبروم کاهش می‌یابد. همچنین شیردهی، احتمال سرطان دستگاه تناسلی و ابتلا به بیماری‌های قلبی را کاهش می‌دهد و کاهش خطر ابتلا به پوکی استخوان (استئوپروز) در سنین بالا از دیگر مزایای شیردهی می‌باشد.

علت آن که شیردهی منجر به کاهش پوکی استخوان در سنین بالا می‌شود، این است که در شیردهی، برای تأمین کلسیم از منابع کلسیم استخوان استفاده می‌شود. این تخریب و ساخت مجدد استخوان‌ها باعث تقویت استخوان‌ها و مقاوم‌تر شدن آنها به پوکی استخوان خواهد شد.



اصالت رفاه، یکی از دلایل بی‌انگیزگی

گاهی محروم بودن انسان از این احساس، به جهت نگرش اشتباهی است که به بچه‌دار شدن دارد. در نگاه مادی‌گرای غربی، اصالت با رفاه است و هر چیزی که با رفاه او منافات داشته باشد، باید کنار برود. مقصود از رفاه هم رفاه مادی است. فرزند، مانع رفاه است. پس یا باید کنار گذاشته شود و یا باید به قدری از فرزند بسنده کرد که با رفاه، منافات چندانی نداشته باشد. به همین دلیل هم می‌بینیم بسیاری از خانواده‌های رفاه‌طلب، دیر صاحب فرزند می‌شوند و وقتی هم که می‌شوند، تربیت او را به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که با رفاه آنان، منافات نداشته باشد. مثلاً به جای این که با او بازی کنند، برای او بازی‌های رایانه‌ای می‌خرند یا او را به مهد کودک می‌فرستند که کمتر مانع رفاه پدر و مادر شود.

متأسفانه، تفکر رفاه‌طلب غربی در برخی از ما مسلمانان هم تأثیر گذاشته و نوع نگاه ما را به فرزنددار شدن، تغییر داده است.

تا ساحل آرامش، کتاب اول، ص ۵۴



الله عجل الوفا

سلام آقا!

دلِ تنگم لبریز شده از عشق شما؛ پس کی می آیی...
 خیلی دل شکسته‌ام، بی‌تابم از نبود شما؛ پس کی می آیی...
 قلبم از این همه جرم و جنایت، از این همه ظلم گرفته؛ پس کی می آیی...
 مولای من! جای اشک‌ها در چشم‌ها خون نشسته؛ پس کی می آیی...
 مظلوم‌گشی کفار و آزار یتیمان هنوز ادامه دارد؛ پس کی می آیی...
 دلتنگی دیگر صبر و تحملی نگذاشته، هر روز من جمعه شده؛ پس کی می آیی...
 بی‌قراری‌هایم افزون شده آقا؛ پس کی می آیی...
 خورشید آسمان جهان! منتظر طلوعت هستیم؛ پس کی می آیی...
 مهدی فاطمه! بیا و دستی بر سر کودکان یتیم بکش، بیا و حکومت خود را به رخ عالمیان بکش.
 ای معشوق جهانیان! بیا که مشتاق تو هستیم، در نبود تو همه گریان در کنجی نشسته‌ایم.
 بیا که آمدنت پایان سختی و شروع آرامش است.